

حمایت ۱۰ هزار میلیارد تومانی دولت

از بخش تولید در سال آینده

\* دکتر نوبخت سخنگوی دولت: یک سوم رشد ۸درصدی اقتصاد ایران در سال آینده

باید از طریق بهره‌وری تامین شود

\* نعمت‌زاده وزیر صنعت: هرگونه محدودیت برای صادرات کالا از سال آینده برداشته می‌شود

صفحه ۴

سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۲ - ۹ جمادی الاول ۱۴۳۵ - ۱۱ مارس ۲۰۱۴ - شماره ۲۵۸۳۱ - صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

رئیس جمهوری در دیدار صمیمانه با خانواده شهدا:

# ایران مقتدرترین کشور منطقه است

بدون اراده ایران، صلح و ثبات در منطقه مستقر نخواهد شد



\* امروز در برابر انواع مشکلات پیش رو با مقدم داشتن منافع انقلاب، نظام و کشور بر منافع شخصی مان

پیروز خواهیم بود

\* اگر اختلاف به تضارب آرا کمک کند خوب است

\* اختلاف نباید به نزاع بگشد و نیروی یکدیگر را

از بین نبریم

\* وقتی بحث کشور، ملت، منافع ملی، ارزش‌های انقلابی اسلامی و ملی مطرح می‌شود، حزب و جناح معنا ندارد

و یک ملت و یک مشن واحد هستیم

\* باید در برابر بداخلاقی‌ها ایثار و گذشت کنیم

\* شهید تعلق به هیچ حزبی ندارد و خانواده‌های شهدا

و ایثارگران متعلق به کل ملت ایران هستند

صفحه ۲

رئیس جمهوری در دیدار با فراکسیون رهروان ولایت مجلس:

همه باید تشویق کنیم افراد غیر نیازمند از دریافت یارانه انصراف دهند

\* دولت در حال برداشتن گام‌های جدید برای حصول توافق نهایی با ۱+۵ است

امروز دولت و مجلس باید برای

پیشرفت و توسعه بیشتر کشور، نظام

و انقلاب با یکدیگر تعامل و همکاری

گسترده‌ای داشته باشند تا بتوانیم به

اهداف ملی دست پیدا کنیم.

رئیس جمهوری پیش از ظهر

دوشنبه در دیدار با اعضای

فراکسیون رهروان ولایت مجلس

شورای اسلامی با اشاره به برخی

مسائیل و مشکلات اساسی کشور

و گام‌های دولت تدبیر و امید در

ماه‌های گذشته برای حل آنها گفت:

امروز دولت و مجلس باید برای

بقیه در صفحه ۴

یادداشت

اوکراین

و سیاست بین الملل

دکتر سیدمحمدکاظم سجادیپور

صفحه ۱۲

مجلس در یکشنبه

اتحادیه عرب

در بحران

صفحه ۲

گزارش

برای فردن

از یکدیگر

سبقت بگیریم!

صفحه ۵



نظرات‌های ارزشمند شما

پرسشهای دقیق

پاسخهای عمیق

دکتر محمدجعفر محمدزاده

صفحه ۶



گفت‌و‌ها و نوشته‌ها

پزشکان از نظر هزینه‌های

سنگین درمان با بقیه مردم

فرقی ندارند

صفحه ۱۱



روابط بین الملل

سخنان دکتر محمد سجادی

در مراسم یادبود امام موسی صدر

ما و مسیحیان

منطقه خاورمیانه

صفحه ۱۲

دکتر ولایتی: بیداری اسلامی با حرکت‌های

افراط‌گرایانه مقابله می‌کند

\* هر فردی که در جهت دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی بین ملت‌های اسلامی بر آید

در مسیر دشمنان گام برداشته است

\* عراقی: ایران پرچمدان همدسه جدید جهانی با محوریت اسلام است

صفحه ۱۴

رئیس هیأت شورای روابط خارجی اروپا:

## اکنون فرصت برقراری ارتباط با ایران فراهم است

\* مارک لئونارد: ایران می‌تواند به برنامه هسته‌ای خود تحت چارچوب «ان.پی.تی» ادامه دهد

\* مواضع اروپا در قبال موضوع هسته‌ای ایران با کنگره آمریکا و اسرائیل همسو نیست

\* دکتر معیری رئیس مرکز ملی مطالعات جهانی شدن: روابط ایران با اروپا به نفع دو طرف است

\* آنالاسیو: برای رسیدگی به آنچه در منطقه می‌گذرد، نمی‌توان نقش برجسته ایران را نادیده گرفت

\* محمود نادری معاون مرکز ملی مطالعات جهانی شدن: دو اندیشه گفتگوی تمدن‌ها و جهان

علیه خشونت و افراط‌گرایی می‌تواند مبنایی برای تعامل ایران و اروپا باشد

\* دکتر سجادیپور مشاور وزیر خارجه: موضوع سوریه نه در میدان جنگ

بلکه در عرصه سیاسی قابل حل است

صفحه ۱۶

در دیدار با استاندار اصفهان

اشتون: تمایل همکاری

اقتصادی و فرهنگی اروپا

با ایران جدی است

\* هر مذاکره‌ای نیاز به مصالحه دارد و ابتدا باید مصالحه‌ای

بین طرفین صورت بگیرد

\* اصلی‌ترین هدف از این سفر این بود که در مورد روابط بالقوه

بیشتری که می‌توانیم در آینده داشته باشیم، گفتگو کنم

\* ظریف: گفتگوهایم با اشتون سازنده بود

صفحه ۲

فرمانده ناجا: نارضایتی‌های اجتماعی

امسال ۱۲ درصد کاهش یافت

\* سردار احمدی مقدم: ۱۰۰۰ میلیارد تومان جریمه رانندگی

امسال به خزانه دولت واریز شد

\* روزانه ۱۶۵ هزار قبض جریمه رانندگی در کشور صادر می‌شود

\* سال‌نور با شعار «امنیت، سلامت، نشاط، ره آورد نظم و قانون»

آغاز می‌کنیم

صفحه ۱۳



ویژه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

سهمداران محترم بانک تجارت

احتراماً پیرو آگهی‌های منتشره مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۰۸ در خصوص برگزاری مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده و عمومی فوق العاده به اطلاع می‌رساند:

با توجه به الزامات قانونی در خصوص ثبت صورت حاضرین در مجامع مذکور، همراه داشتن اصل کارت ملی برای سهامداران و نمایندگان آنان جهت حضور در مجامع فوق الزامی بوده و همچنین نمایندگان اشخاص حقوقی می‌بایست اصل معرفی‌نامه با سرپرست شخصیت حقوقی که به امضاء صاحبان امضای مجاز رسیده باشد، به همراه تصویری از آخرین روزنامه رسمی شرکت که مبین تأیید امضاء صاحبان امضای مجاز باشد را جهت حضور در مجامع فوق اشاره ارائه نمایند.

هیات مدیره  
بانک تجارت (شرکت سهامی عام)

**بانک تجارت**

TEJARAT BANK

### مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵؛ توافق ژنو

نوشته: محمدحسن در یابی

قطع وزیری، ۲۸۴ صفحه، چاپ اول ۱۳۹۲، ۹۰،۰۰۰ ریال

دکتر محمدحسن دریابی از پژوهشگران و محققان کشور در زمینه خلع سلاح و امنیت بین‌المللی است که بیش از ۲۰ سال سابقه تحقیق و کار اجرایی در این حوزه دارد و صاحب کتب و مقالات متعددی در این زمینه است. کتب عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه در سال ۱۳۸۷، مشارکت در کنفرانس‌های بین‌المللی علمی به عنوان پالیست و شرکت در بیش از ۶۵ جلسه مذاکرات بین‌المللی، از افتخارات اوست. در کتاب حاضر، وی تلاش کرده تا با نگاهی بی‌طرفانه، تصویری همه‌جانبه از مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ ارائه دهد و ابعاد مختلف توافق ژنو را در قالب بررسی تفه‌های موجود در زمینه ساختار و روش مذاکره، واکاوی محتوای هسته‌ای برنامه اقدام و کنکاشی در لغو تحریم‌ها، تبیین کند. این کتاب با هدف گسترش فرهنگ نقد و نقدپذیری در قالب نگاهی مبتنی بر حقایق و نظرات فنی و کارشناسی نگارش شده است. مطالعه این کتاب ارزشمند را به روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و تمامی علاقه‌مندان به موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵، توصیه می‌کنیم.

فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶

فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

نماینده‌گی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۲۰۶

برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۲۶۵ تماس حاصل فرمایید.

\* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: [www.ketabtebteelaat.com](http://www.ketabtebteelaat.com)

ویژه نامه نوروزی مجله دنیای ورزش

در ۱۰۰ صفحه با ده ها مطلب متنوع و خواندنی منتشر شد

DVD روزنامه اطلاعات

سال ۱۳۹۱

منتشر شد

« قیمت ۵۰۰ تومان »

### آگهی مزایده عمومی

سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت در نظر دارد به استناد مجوز سسی و یکمین جلسه هیئت مدیره سازمان به شماره ۱۶۶/۴۵۲۰ اپ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ امور مربوط به تفکیک از میدا منطقه مارلیک و غرب سر آسیاب را از طریق برگزاری مزایده عمومی به پیمانکار واگذار نماید.

۱- برآورد کل مزایده ۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- دارا بودن مجوز کار جهت امور خدماتی از اداره تعاون کار و امور اجتماعی

۳- سپرده شرکت در مزایده به میزان ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال که می‌بایست همراه اسناد مزایده تحویل گردد.

۴- برندگان اول و دوم و سوم مزایده هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشود سپرده آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.

۵- کلیه متقاضیان واجد شرایط می‌توانند پس از انتشار آگهی با ارائه معرفی‌نامه معتبر جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۳ لغایت ۹۲/۱۲/۲۳ ساعت ۹ لغایت ۱۲/۳۰ به امور قراردادهای سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت مراجعه و از تاریخ خود را تحویل سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل سازمان نمایند. زمان گشایش پیشنهادها روز سه‌شنبه ساعت ۱۴/۳۰ مورخ ۹۳/۱/۵ می‌باشد.

۶- هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۷- متقاضیان می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی‌نامه (به همراه کارت شناسایی ملی) و اصل فیش واریزی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۸۷۳۳۰۱۵۰۰-۱ سسبیا بانک ملی به نام دارید سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل امور قراردادها نمایند.

۸- سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.

۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.

محمد جهانشاهی

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند

شهردار یهای ملارد و صفادشت

### نوروزنامه

ویژه نامه نوروزی روزنامه اطلاعات

با مطالبی از بزرگان فرهنگ و ادب

یکشنبه ۲۵ اسفند

همراه روزنامه اطلاعات منتشر می‌شود

آگهی مزایده نوبت اول

مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل (مغان) در نظر دارد تعداد ۱ قطعه از اراضی زراعی آبی تحت بد خود را به مقدار ۳۰۸ هکتار واقع در پارس‌آباد جنب بخش ۳ شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان (مزرعه مرکز) جهت کشت اول ذرت دانهای از طریق مزایده و به صورت اجاره‌ای به افراد واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان محترم جهت شرکت در مزایده می‌توانند ضمن رویت از محل موردنظر، جهت دریافت اسناد مزایده و ارائه قیمت پیشنهادی خود از تاریخ درج آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار لغایت ۱۰ روز کاری در ساعات اداری (از ساعت ۸ الی ۱۵) به دبیرخانه مرکز به آدرس پارس‌آباد - کیلومتر ۱۲ جاده اسلامشهر جنب شهر صنعتی مراجعه نمایند.

- زمین مورد نظر جهت کشت اول (بهاره) و صرفاً فقط برای کشت (ذرت‌دانه) و (واگزار) می‌گردد. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۷۳۳۲۵۸ با کد ۴۵۲ در ساعات اداری تماس حاصل نمایند.

هزینه نشر آگهی در روزنامه، کارشناسی تعیین قیمت پایه و آبیه‌ها زمین‌های فوق به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.

مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل (مغان)

۳۵۷۰/۲ تلف

### آگهی مزایده عمومی

\*\*\* نوبت دوم \*\*\*

سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت در نظر دارد به استناد مجوز سسی و یکمین جلسه هیئت مدیره سازمان به شماره ۱۶۶/۴۵۲۰ اپ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ امور مربوط به تفکیک از میدا منطقه ملارد را از طریق برگزاری مزایده عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

شرایط شرکت در مزایده:

۱- برآورد کل مزایده ۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- دارا بودن مجوز کار جهت امور خدماتی از اداره تعاون، کار و امور اجتماعی

۳- سپرده شرکت در مزایده به میزان ۹۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال که می‌بایست همراه اسناد مزایده تحویل گردد.

۴- برندگان اول و دوم و سوم مزایده هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.

۵- کلیه متقاضیان واجد شرایط می‌توانند پس از انتشار آگهی با ارائه معرفی‌نامه معتبر جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۳ لغایت ۹۲/۱۲/۲۳ ساعت ۹ لغایت ۱۲/۳۰ به امور قراردادهای سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت مراجعه و از تاریخ خود را تحویل سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل سازمان نمایند. زمان گشایش پیشنهادها روز سه‌شنبه ساعت ۱۴/۳۰ مورخ ۹۳/۱/۵ می‌باشد.

۶- هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۷- متقاضیان می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی‌نامه (به همراه کارت شناسایی ملی) و اصل فیش واریزی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۸۷۳۳۰۱۵۰۰-۱ سسبیا بانک ملی به نام دارا د سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل امور قراردادها نمایند.

۸- سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.

۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.

محمد جهانشاهی

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند

شهردار یهای ملارد و صفادشت

### «آگهی حراج ۱۳۷۹ استان تهران»

مدیریت جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی استان تهران

۵۳۵۰/م تلف

رجوع به صفحه ۵

آگهی مناقصه عمومی دوم مرحله‌ای

شماره ۹۲/۱۲/۱۹ (نوبت دوم)

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین (مغنی‌خانی)

دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین

موضوع مناقصه: واگذاری عملیات ساماندهی فیزیکی و الکترونیکی اسناد بشت‌ترین شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین به پیمانکار

سپرده شرکت در مناقصه: واریز مبلغ ۸۵۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سسبیا ۰۰۰۰۱۵۷۴۸۰۲۰۰۱ بانک ملی شعبه طالقانی و یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر، چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین

محل در یافت اسناد: قزوین - چهارراه ولیعصر - ابتدای خیابان طالقانی - حوزه سادی شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین - طبقه دوم امور تدارکات و انبار

تاریخ در یافت اسناد: ۹۲/۱۲/۲۰ لغایت ۹۲/۱۲/۲۸ مورخ ۹۳/۱/۱۸

بان گشایش اسناد: ساعت ۱۴/۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۹۳/۱/۱۹

ضمن دسترسی به خلاصه اسناد مناقصه از طریق سایت اینترنتی این شرکت به نشانی [www.qazvin-ed.com](http://www.qazvin-ed.com) شبکیه اطلاع‌رسانی معاملات توافیر و سایت ملی مناقضات امکان‌پذیر می‌باشد.

به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش، فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود مطلقاً ترتیب‌اثر داده نخواهد شد.

هزینه آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

دفتر روابط عمومی

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین

شماره تلف ۳۰۹۸

### آگهی مزایده عمومی

\*\*\* نوبت دوم \*\*\*

سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت در نظر دارد به استناد مجوز سسی و چهارمین جلسه هیئت مدیره سازمان به شماره ۱۶۶/۵۶۵۸ اپ مورخ ۹۲/۱۲/۱۶ امور مربوط به تفکیک از میدا منطقه ملارد را از طریق برگزاری مزایده عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

شرایط شرکت در مزایده:

۱- برآورد کل پروژه ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- دارا بودن مجوز کار جهت امور خدماتی از اداره تعاون، کار و امور اجتماعی

۳- سپرده شرکت در مزایده به میزان ۳۰۰۰۰/۰۰۰ ریال که می‌بایست همراه اسناد مزایده تحویل گردد.

۴- برندگان اول و دوم و سوم مزایده هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.

۵- کلیه متقاضیان واجد شرایط می‌توانند پس از انتشار آگهی با ارائه معرفی‌نامه معتبر جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۹۲/۱۲/۱۳ لغایت ۹۲/۱۲/۲۳ ساعت ۹ لغایت ۱۲/۳۰ به امور قراردادهای سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت مراجعه و از تاریخ خود را تحویل سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل سازمان نمایند. زمان گشایش پیشنهادها روز سه‌شنبه ساعت ۱۴/۳۰ مورخ ۹۳/۱/۵ می‌باشد.

۶- هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۷- متقاضیان می‌بایست جهت دریافت اسناد معرفی‌نامه (به همراه کارت شناسایی ملی) و اصل فیش واریزی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۸۷۳۳۰۱۵۰۰-۱ سسبیا بانک ملی به نام دارا د سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های ملارد و صفادشت تحویل امور قراردادها نمایند.

۸- سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.

۹- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.

محمد جهانشاهی

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند

شهردار یهای ملارد و صفادشت





















## اروین شرودینگر

## ترجمه احمد آرام بخش سوم و پایانی

**فرهنگ مشترک**

آیا چگونه می‌توانیم این تأثیرات ذهنی و شخصی را ادراک کنیم و آنها را آشکار سازیم؟ اگر خود را به چشم‌انداز معاصر محدود کنیم، این کار آسان نخواهد بود؛چه در داخل یک محیط فرهنگی محوره‌ای مختصاتی وجود ندارد که بنا بر آنها معلوم شود که جهت‌های فردی هر یک چه اندازه از روح محیط به عنوان یک کل تأثیر پذیرفته‌اند. در زمان حاضر عملاً یک فرهنگ بر سراسر زمین گسترده شده،و به همین جهت تکامل و گسترش علم و هنر در سرزمینهای مختلف در تحت تأثیر تمایل عمومی و یکسانهٔ زمان قرار دارد. به همین جهت، برای روشن شدن آنچه گفتیم، باید به مثالهای تاریخی توسل بجویم؛ چه، در گذشته فرهنگهای سازماندار محدود به سرزمینهای کوچکتر و در عین حال تنوع این فرهنگها بر سیارهٔ ما بیشتر بوده است.

**فرهنگ یونانی**

فرهنگ یونانی نمونهٔ جامعی است برای نشان دادن این مطلب که چگونه هر خط فعالیت داخلی یک محیط در تحت تسلط تمایل عمومی خود آن فرهنگ واقع است. در علم و هنر یونانی و در نگرش کلی یونانی به زندگی بلافاصله می‌توانیم یک خصوصیت مشترک را بازشناسیم. ساختمان روشن و شفاف و صلب هندسهٔ اقلیدسی بی‌نظیر است با اشکال ساده و بی‌پیرایه و محدود معبد یونانی. معبد کوچک همه و به همه جای آن دسترس هست، و کسانی که به آن می‌نگرد، حس حیاتی آن را کاملاً در معرض دید دارند و هیچ جا،چه از حیث شکل و چه از حیث وسعت، از دیده مخفی نمی‌ماند.

این چیزی است که کاملاً با معماری گوتی تفاوت دارد. در مورد علم یونانی نیز چنین است که در آن اندیشهٔ بی‌نهایت به سختی مفهوم شده است. مفهوم فرایند نامحدود و یونانیان را می‌ترسانده است، و شاهد آن است معمای کاملاً شناخته‌شدهٔ اخیلئوس و لاکیشث. فکر یونانی نمی‌توانسته است به تعریفی که ددیکند از اعداداصم (کنگ) کرده است برسد، ولو اینکه اندیشهٔ اصم بودن به صورت اجمالی در قطر مربع یا مکعب وجود داشته باشد.

نمایشهای یونانی، مخصوصاً آنها که از دوره‌های قدیم‌تر است، در مقایسه با نمایشهای کنونی کاملاً ایستاست؛ یا عمل نیست، یا بسیار کم است. آنگاه که باوضع غم‌انگیزی رووبرو هستیم، عمل منحصر است به تصمیمی که یک موجود بشری در اوضاع و احوال معین می‌گیرد. به همین ترتیب در فیزیک یونانی نیز بایدگی وجود ندارد. یونانیان در اندیشهٔ آن نمی‌افتادند که حرکت را به مراحل متوالی آن تجزیه کنند، یا مانند کاری که نیوتون کرد، در هر لحظه به جستجوی علت چیزی برانند که در لحظه بعد پیش خواهد آمد.

یونانیان این تجزیه و تحلیل را حقیر و ناسازگار باجس زبانشناسی می‌پنداشتند. درباره راهی که جسمی در امتداد آن حرکت می‌کند، به صورت یک کل می‌اندیشیدند؛ آن را نه به صورت چیزی که تکامل پیدا می‌کند، بلکه به صورت چیزی که از پیش به تمامی وجود دارد، تصور می‌کردن. هنگام توجه به ساده‌ترین نوع حرکت، حرکت مستقیم‌الخط را از آن جهت کنار گذاشتند که همه آن را نمی‌توان یکدفعه احساس کرد. حرکت مستقیم‌الخط هرگز تمام نمی‌شود، و هرگز نمی‌توان به به صورت یک کل دسترس پیدا کرد. ما مشاهدهٔ آسمان پرستار، یونانی راهی برای حل دشواریهای مفهوم حرکت پیدا کرد. از این مشاهده نتیجه گرفت که مسیر دایره‌ای که با حرکت یکنواخت طی شود، کامل‌ترین و طبیعت‌ترین حرکت جسم است، و اینکه آن جسم در ضمن چنین حرکتی با تأثیر جسم بزرگتری در مرکز دایره به راه می‌افتد و حرکت آن نظم پیدا می‌کند.

گمان نمی‌کنم که امروز حق داشته باشیم به این ساختمان ساده‌لوحانه عقل یونانی بختند. یا چندی پیش درباره نظریه کوآنتومی آتوم خود نیز وضع بسیاری مشابهی داشتیم. چون به بهتری دسترسی نداشتیم، خود را به سادگیهای مشابهی خرسند نگاه می‌داشتیم، و ناشناسی که برای رفتن به آن طرف سادگیهای کم‌ردید، بیش از آنکه از ورشکستگی تحلیل دیفرانسیلی نیوتونی مانع شود،به این ورشکستگی کمک می‌کرد.

**تکامل**

اکنون به بیان مختار دیگری می‌پردازم. اندیشه تکامل بیش از هر اندیشه دیگر در همه میدانهای علم جدید، و در واقع زندگی جدید، به صورت یک کل تأثیر داشته است. خواه به صورت کلی آن خواه به صورت خاصی که داروین به آن داده است، به صورتی سازگاری خود به خود در نتیجه‌یافتی آنچه شایسته‌تر است. به عنوان نشانه‌ای از عمق این فکر، یادبه خاطر بیاوریم که حتی علم مردورشن‌بینی چون شوهناوهار نمی‌توانست آن را بپذیرد.وی به شدت آن را طرد کرد از آن جهت که این فکر را منتقاص با اندیشه و تصور همان اندازه بر عمق خویش می‌دانست مبنی بر اینکه «اکنون» همیشه یک لحظه و عین خود آن لحظه است، و اینکه نام «همیشه» یک شخص و عین خود آن شخص است، و صورتی که از طرف دیگر، فلسفه هگل با پذیرفتن آن اندیشه تا به امروز حیاتی خود را محفوظ داشته است که عمری بسیار بیش از عمر طبیعی آن است.

از این گذشته، ازنست ماخ فکر تکامل را در مورد خود فرایند علمی به مورد عمل گذاشته است، و این فرایند در نظر او همچون تطابق و توافق با واقعیت‌هاست با واقعیت‌ها از طریق انتخاب آنچه تصور می‌کنیم. بیشتر با واقعیت سازگار است و طرد آنه سازگاری کمتر دارد.

در فیزیک اختری آموخته‌ایم که به انواع گوناگون ستارگان به عنوان مراحل مختلف تکامل اختری نظر کنیم که یکی و همیشه همان یکی است، و در همین اواخر شاهد طرح این فکر هستیم که شاید جهان به صورت کلی یک مرحله ایستادن نیست، بلکه در نقطه معینی از زمان، که نسبت‌مدت بسیار درازی بیش از این نبوده، از یک حالت کاملاً مطلق به مرحله گسترشی تغییر پیدا کرده است که به‌نابر مشاهدهات قدرتمتری پیشنهاد می‌شود، بدون شک به عنوان اینکه بی‌معنی و احمقانه است آن را طرد می‌کردند.

این رسدها نشان می‌دهد که خطهای طبیعی سحابی‌های بسیار

دور به صورت محسوس به طرف طول موه‌های بزرگ انتقال پیدا می‌کنند، و این جابه‌جا شدن متناسب با فاصله‌های سحابی هاست. این خود دلیل آن است که منظومه‌های سحابی با سرعت عظیم از ما دور می‌شوند، و در نتیجه چنان می‌نماید که در سراسر جهان فرایند گسترش عمومی جریان دارد. ما این فرضیه را خیالی‌فانی میان نمی‌نهی دانیم، از آن جهت که با اندیشه تکامل خود گر فته‌ایم. اگر چنین اندیشه‌ای در عصر مقتدری پیشنهاد می‌شود، بدون شک به عنوان اینکه بی‌معنی و احمقانه است آن را طرد می‌کردند.

**بستگی علم**

این همه نشان می‌دهد که چه اندازه علم به چارچوب فکری متداول زمانی که خود جزوی از آن است، بستگی دارد. هنگامی که خود در بوجوهی که وضه عمومی هستیم، دیدن شباهتهای کلی برای ما دشوار است. چون بسیار نزدیک هستیم، تنها تمایزات بر جسته را می‌توانیم مشاهده کنیم و توجه به شباهتها برای ما میسر نیست. درست مثل وقتی است که نخستین بار چندین عضو یک خانواده را یکی پس از دیگری می‌بینیم و به سرعت متوجه شباهتها می‌شویم، ولی اگر با آن خانواده دوستی نزدیک پیدا کنیم، آنگاه تنها تفاوتها نظر را ما جلب می‌کند. به همین ترتیب، هنگامی که در بوجوهی که در دوره فرهنگی گذشت می‌کنیم، در رتبات خصوصیاتی که مشترک میان شاخه‌های مختلف بشری در داخل آن دوره است، برای ما دشواری دارد. برای روشن شدن این مطلب مثال دیگری می‌زنیم.

یک پدیدهٔ آلمانی که به نقاشی پسر دهمس‌الاش نگاه می‌کند، تنها صفات و کیفیت فردی آن نقاشی را خوب تشخیص می‌دهد، و به فوریت توجه تأثیر روشن خاصی از ترسیم و نقاشی در کار فرزندش نمی‌شود؛ ولی اگر به نقاشی یک پسر دوازده ساله، کلا فوراً تأثیر بسیار ژاپنی را به عنوان یک کل بازمی‌شناسد. در هر دو حالت کوشش ساده و بی‌ریایی پرسرچه در تحت نفوذت هنر زمانی است که در آن زندگی می‌کند که حتی در قالب ریزی کوچکترین جزئیات آن مؤثر است.

علم، نظریه و انسان (شیرت سهامی انتشار)

تأمل در «تاریخ علم» به ویژه پیشینهٔ تولید نظر، یکدفعه علمی در حوزهٔ علوم انسانی نشان می‌دهد که پرسش‌های دقیق همواره موجب پاسخ‌های عمیق بوده‌اند و به عبارت دیگر پاسخ‌های ژرف و عمیق جز در پی پرسشهای دقیق به ظهور نرسیده‌اند.

از طرفی نظریه‌های علمی در حوزه علوم انسانی و نیز آثار علمی برجسته نیز غالباً در پی پرسش‌ها و درخواستهای عمیق و اساسی و به وجود آمده‌اند و در طرف دیگر نظر به‌های علمی و اندیشه‌ای که با ابتناء بر پرسشش خلق شده‌اند، چون از متن نیاز جامعه شکل و سیمان یافته و در واقع پرسش‌های دقیق بخشی از نیاز فکری و فرهنگی جامعه را اشامل می‌شود، باز خورد آن به متن جامعه بر گشسته و کاربرد بیشتری در سطوح مختلف به ویژه سطح علمی پیدا می‌کنند و به عبارتی کاربردی می‌شوند.

شواهد بار صحت این نظر از قرون پیش از میلاد، در روش سقراط و افلاطون تا روش کتاب‌های اخلاسی و ویژه قرآن کریم و نیز سیرهٔ اندیشه معنوصین و آسمانی نبی اکرم(ص) و نیز دانشمندان و فلاسفه و عالمان و عارفان در قرن‌های پس از اسلام موجود است. شواهد حاضر بر آن است تا ضمن بیان چند نمونه، به کار آمدنی و اثر بخشی روش پرسش و پاسخ و پایه عباتی گفتگو در مباحث علمی بپردازد و در تایید این نظر که پرسش‌های دقیق و پاسخ‌های عمیق لازم و ملزوم برای «تولید علم» و این بیان نیز علمی هستند صحه بگذارد.

کتاب «جمهور» افلاطون به صورت نقل قول از سقراط تنظیم شده و فرض بر این است که در حدود سال ۴۱۱ قبل از میلاد، کسی سقراط در منزل پیرمردی به نام «سالئوس» با عده‌ای وارد بحث و پرسشش و پاسخ می‌شود و روز بعد جریسان این گفتگو را به شرح مندرج در این کتاب برای چند تن از دوستان خود نقل می‌کند.(تک،افلاطون،۱۳۸ص)۴

جمهور افلاطون با همین شیوهٔ نقل گفتگو و سیاق پرسش و پاسخ، نظریه‌های جامعی را در ده کتاب به وجود آورده

است که گرچه موضوع واحدی ندارد و در موضوع‌های متنوعی بحث می‌کند اما همه آنها را باید در ذیل موضوع «عدل» به

حساب آورد.(تک، همان)

در «پنج رساله» افلاطون( شجاعث، دوستی، ایون، پروتاگورس و افمانتی) هم، آنچه افلاطون گفته است صحنه آرای‌هایی است که خود از گفتگوها و پرسشش و پاسخ‌هایی که بین بازیگران صحنه ترتیب داده و از آن طریق مولود موجب نظریه‌های مبنایی در موضوعات مختلف شده است؛ مثلاً در رساله لائسح یا شجاعت، حاضران مجلس به ترتیب ترتیب‌دهنده از: سیماسخوس(پسر ارستیدس) مسلیاس(پسر توکیدید) و پسران آندونیکاس(لاخس و سقراط. در این رساله سقراط معلمی است که کارش پیدا کردن مردمان و متنبه ساختن آنها از طریق گفتگو و پرسش و پاسخ است.(تک) افلاطون، ۱۳۸ص، ۷۰-۱)

در قرآن کریم نیز می‌توان شواهد بسیاری یافت که در آن، خداوند با طرح یک پرسش ابتدا ضرورت پاسخگویی می‌دهد. نمونه برجسته‌ای آن هم که می‌توان در اینجا شاهد مثال آورد سوره مبارکه تباه در ابتدای جزء سوم ام قرآن است، آنجیسا که می‌فرماید: **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ الْمَعْنَى** (تبا، ۲) کلمه «عم» مخفف «من: از چه» است و حرف الف از کلمه «ما» استفاده‌ی حذف شده است. « مصدر تساؤل می‌عنا یا این است که مردمی از یکدیگر می‌سؤال می‌کنند یا بعضی از بعضی دیگر سؤال کنند. سیاق سوره، سیاق جواب است. این آیه پاسخ از استفساهی است که خود خدای تعالی کرده بود، خودش پرسش می‌کند؟ از چه تساؤل می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد: از خبری بس عظیم و ایسن توصیفی که از خبر نامبرده کرده بود، توصیفی است که تعظیم جبر از آن هویداست. (طباطبائی، ۱۳۹۶، ص ۴۱۸) بر این اساس می‌توانیم برای یافتن چیستی و چرایی یک امر مهم باید پرسشی دقیق صورت گیرد تا پاسخی در خود داده شود.

در سیرهٔ پیامبر گرامی اسلام(ص) و همه معنوصین نیز موارد بسیاری یافت می‌شود که حضرات معصومین(ع) در پاسخ به سؤالات دقیق برخی صحابه، پاسخ‌های جامع و عمیق داده‌اند، نمونه برجسته آن را در پاسخ‌های علی(ع)

## \* شبیستر ی ا هنگام نظم گلشن راز، جز به ندرت شعر نگفته بود و منظوم ساختن این کتاب هم به درخواست دیگران بود. اشعار او بسیار روان و سلیس است و در ادبیات فارسی کمتر شاعری هست که اشعار علمی و فلسفی را این گونه روان سروده باشد

♦♦♦
به یکی از یاران‌ش به نام همام که از امام می‌خواهد صفات متقین را برایش برشمرد، می‌توان دید. آنجا که گفت: «یا **امیر المؤمنین، صفی‌المعین**: ای امیر مومنان، پرهیز کاران را برای من وصف کن و حضرت ابتدا می‌فرماید: «ای همام! از خداوندترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیز کاران و نیکوکاران است.» اما همام که تشنه حقیقت بود با کلامی جزو قانع نشد و بر پرسش اصرار ورزید و پاسخ تمام و کمال درخاست نمود، تا آنکه حضرت امیر(ع) پس از ذکر **می‌فهم! اله الفاضل**... (تک،نهی‌لایله، خطبه ۱۹۴) و **الفلقون** تصدیق خواهد کرد سخنان امام علی(ع) در این خطبه از اهم توصیف‌هایی است که صفات متقین را بیان نموده است. و این نکته هم اضافه‌شود که وقتی حضرت امیر(ع) با صراحت به یاران خود فرمود: «تا من در میان شما هستم از من بپرسید و از من بخواهید.» این یعنی اینکه دانسته‌هایم را اگر چه بسیار است اما در پس پرسشهای شماست و اگر پرسش نکند، نمی‌دانسته می‌ماند و هم علم من به ظهور نمی‌رسد، پس پرسید تا دانا شود.

«مثنوی معنوی» مولانا جلال‌الدین بلخی خراسانی کی‌است، و در همین اواخر شاهد طرح این فکر هستیم که شاید جهان به صورت کلی یک مرحله ایستادن نیست، بلکه در نقطه معینی از زمان، که نسبت‌مدت بسیار درازی بیش از این نبوده، از یک حالت کاملاً مطلق به مرحله گسترشی تغییر پیدا کرده است که به‌نابر مشاهدهات قدرتمتری پیشنهاد می‌شود، بدون شک به عنوان اینکه بی‌معنی و احمقانه است آن را طرد می‌کردند.

این همه نشان می‌دهد که چه اندازه علم به چارچوب فکری متداول زمانی که خود جزوی از آن است، بستگی دارد. هنگامی که خود در بوجوهی که وضه عمومی هستیم، دیدن شباهتهای کلی برای ما دشوار است. چون بسیار نزدیک هستیم، تنها تمایزات بر جسته را می‌توانیم مشاهده کنیم و توجه به شباهتها برای ما میسر نیست. درست مثل وقتی است که نخستین بار چندین عضو یک خانواده را یکی پس از دیگری می‌بینیم و به سرعت متوجه شباهتها می‌شویم، ولی اگر با آن خانواده دوستی نزدیک پیدا کنیم، آنگاه تنها تفاوتها نظر را ما جلب می‌کند. به همین ترتیب، هنگامی که در بوجوهی که در دوره فرهنگی گذشت می‌کنیم، در رتبات خصوصیاتی که مشترک میان شاخه‌های مختلف بشری در داخل آن دوره است، برای ما دشواری دارد. برای روشن شدن این مطلب مثال دیگری می‌زنیم.

یک پدیدهٔ آلمانی که به نقاشی پسر دهمس‌الاش نگاه می‌کند، تنها صفات و کیفیت فردی آن نقاشی را خوب تشخیص می‌دهد، و به فوریت توجه تأثیر روشن خاصی از ترسیم و نقاشی در کار فرزندش نمی‌شود؛ ولی اگر به نقاشی یک پسر دوازده ساله، کلا فوراً تأثیر بسیار ژاپنی را به عنوان یک کل بازمی‌شناسد. در هر دو حالت کوشش ساده و بی‌ریایی پرسرچه در تحت نفوذت هنر زمانی است که در آن زندگی می‌کند که حتی در قالب ریزی کوچکترین جزئیات آن مؤثر است.

درخواست کرد برای تعلیم مردان کتابی چون «حدیقهٔ سنایی یا «مطلق‌الطیر» عطار تدوین کند و مولانا مثنوی را به خواش وی به نظم کشید. حسام‌الدین پرسشگر و مصححیتی است که در تمام لحظات جوشش درونی مولانا در خلق مثنوی همراه و مخاطب اوست و اگر زمانی مولانا حضور او مدعوری پیش می‌آمد، مولوی از جوشش می‌اتفاد و لاجرم در فو می‌بست تا روزی که این همصحبیت دقیق و جویای عمق حقایق باز گردد و این با داستان پایان دفتر اول و ایجاد وقعه‌ای دوه‌ساله برای آغاز دفتر دوم منطبق است که گفته شده در حدود سال ۶۶۲ حسام‌الدین به علت مرگ همسرش مدتی از درک محضر مولانا باز می‌ماند.(تک، نیکلسون، ۱۳۷۲، ص ۵۸۲) و پس از این وقفه، مولوی دفتر دوم را چنین آغاز می‌کند:

مدتی ایسن مثنوی تأخیر شد

مهلتی یایست تا خون شیر شد

تا نزیاید بخت تو فرزند تو

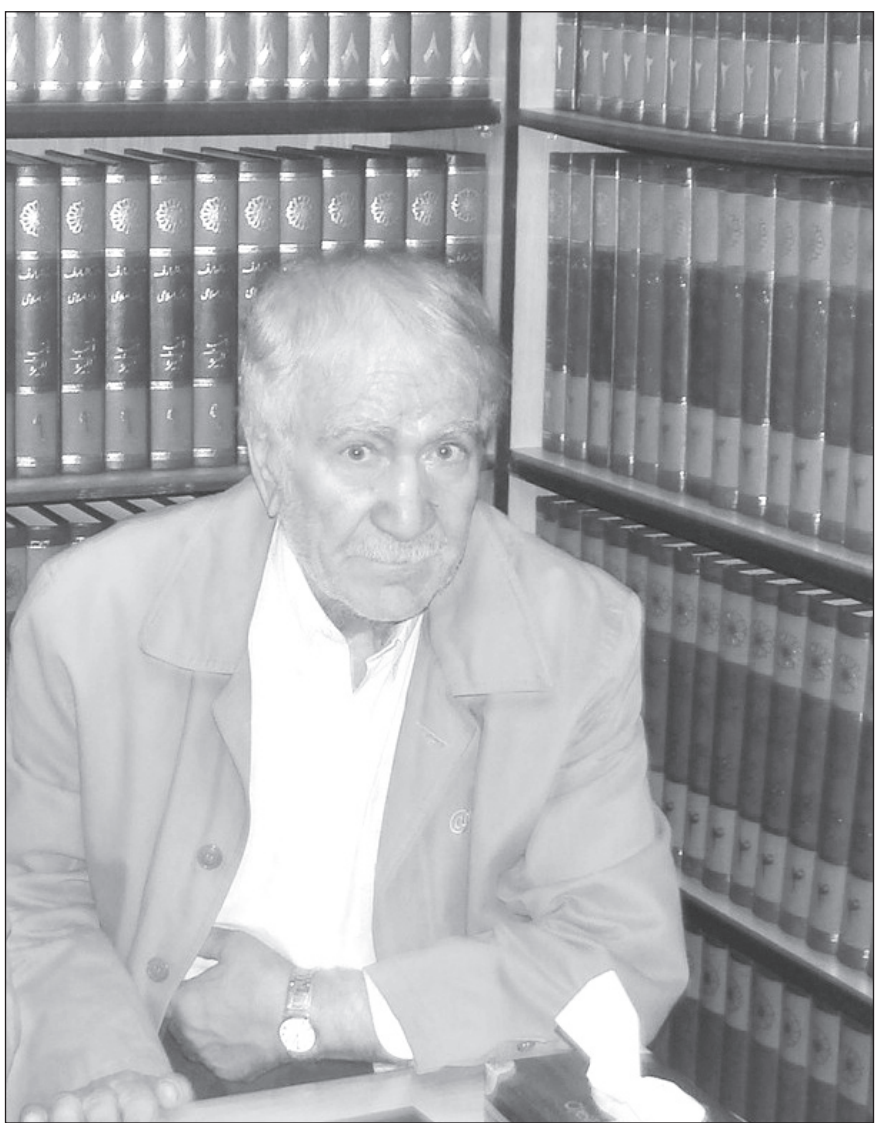
خون نگردد شیر شیرین، خوش شنو

گذشته بود و این‌گونه پاسخ جامعی طلبید و اثری شگرف در تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران و جهان بر جای گذاشت. تصور نشود اگر میل مولوی به هم صحبتی حسام‌الدین نمی‌جشد، آیا شواهد مثنوی با این عظمت و عمق و دقت محتمل بود؟
«این سینا» فیلسوف بزرگی است و کتاب «المباحثات» از آثار برجستهٔ اوست که در موضوعات آن بسیاری از بزرگان اهل تحقیق به آن استناد کرده‌اند. این کتابی که بردارندهٔ شماری از پاسخ‌هایی است که این سینا به برخی از پرسش‌ها داده و شاگرد برجسته او «بهمنیار» که خود صاحب بسیاری از پرسش‌های دقیق این کتاب است، آنها را جمع‌آوری و منظم ساخته است. در این کتاب به پرسشهای بسیاری پاسخ داده شده است و پاسخ‌ها به مسائل بنیادی و عمیق در حوزهٔ فلسفه مربوط می‌شود و به نظر فیلسوف معاصر، دکتر دینانی، شخص بهمنیار و شاگرد در برجسته دیگر این سینا به نام «ابن‌مصور زیله» در طرح آنها دخالت داشته‌اند.

از آنجا که بهمنیار در طرح این پرسش‌ها نقش عمده و

# پرسشهای دقیق پاسخهای عمیق

**دکتر محمدجعفر محمدزاده**



دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

چون ضیاءالحق حسام‌الدین غنان بازگردانید ز اوج آسمان
چون به معراج حقایق رفته بود
بیهارش غنچه‌ها ناگفته بود
چون ز دریا سوی ساحل باز گشت
چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
و همچنین است که این پرسشگر دقیق و هم صحبت شایسته، مولوی را در آغاز دفترهای دیگر، به سخن درباره خود وارد می‌کند و در آغاز دفتر سوم می‌گوید:
ضیاءالحق حسام‌الدین پسر این سوم دفتر که منت شد سه بار برگشا گنجینهٔ اسرار را
در سوم دفتر بهل اعذار را
و در آغاز دفتر چهارم:
همت عالی تو ای مرتجا
تو کسای منم
در سیرت اصرار ورزید و پاسخ تمام و کمال درخاست نمود، تا آنکه حضرت امیر(ع) پس از ذکر **می‌فهم! اله الفاضل**... (تک،نهی‌لایله، خطبه ۱۹۴) و **الفلقون** تصدیق خواهد کرد سخنان امام علی(ع) در این خطبه از اهم توصیف‌هایی است که صفات متقین را بیان نموده است. و این نکته هم اضافه‌شود که وقتی حضرت امیر(ع) با صراحت به یاران خود فرمود: «تا من در میان شما هستم از من بپرسید و از من بخواهید.» این یعنی اینکه دانسته‌هایم را اگر چه بسیار است اما در پس پرسشهای شماست و اگر پرسش نکند، نمی‌دانسته می‌ماند و هم علم من به ظهور نمی‌رسد، پس پرسید تا دانا شود.

«مثنوی معنوی» مولانا جلال‌الدین بلخی خراسانی کی‌است، و در همین اواخر شاهد طرح این فکر هستیم که شاید جهان به صورت کلی یک مرحله ایستادن نیست، بلکه در نقطه معینی از زمان، که نسبت‌مدت بسیار درازی بیش از این نبوده، از یک حالت کاملاً مطلق به مرحله گسترشی تغییر پیدا کرده است که به‌نابر مشاهدهات قدرتمتری پیشنهاد می‌شود، بدون شک به عنوان اینکه بی‌معنی و احمقانه است آن را طرد می‌کردند.

این همه نشان می‌دهد که چه اندازه علم به چارچوب فکری متداول زمانی که خود جزوی از آن است، بستگی دارد. هنگامی که خود در بوجوهی که وضه عمومی هستیم، دیدن شباهتهای کلی برای ما دشوار است. چون بسیار نزدیک هستیم، تنها تمایزات بر جسته را می‌توانیم مشاهده کنیم و توجه به شباهتها برای ما میسر نیست. درست مثل وقتی است که نخستین بار چندین عضو یک خانواده را یکی پس از دیگری می‌بینیم و به سرعت متوجه شباهتها می‌شویم، ولی اگر با آن خانواده دوستی نزدیک پیدا کنیم، آنگاه تنها تفاوتها نظر را ما جلب می‌کند. به همین ترتیب، هنگامی که در بوجوهی که در دوره فرهنگی گذشت می‌کنیم، در رتبات خصوصیاتی که مشترک میان شاخه‌های مختلف بشری در داخل آن دوره است، برای ما دشواری دارد. برای روشن شدن این مطلب مثال دیگری می‌زنیم.

یک پدیدهٔ آلمانی که به نقاشی پسر دهمس‌الاش نگاه می‌کند، تنها صفات و کیفیت فردی آن نقاشی را خوب تشخیص می‌دهد، و به فوریت توجه تأثیر روشن خاصی از ترسیم و نقاشی در کار فرزندش نمی‌شود؛ ولی اگر به نقاشی یک پسر دوازده ساله، کلا فوراً تأثیر بسیار ژاپنی را به عنوان یک کل بازمی‌شناسد. در هر دو حالت کوشش ساده و بی‌ریایی پرسرچه در تحت نفوذت هنر زمانی است که در آن زندگی می‌کند که حتی در قالب ریزی کوچکترین جزئیات آن مؤثر است.

ذکریا خلیفه شیخ المشایخ شهاب‌الدین سهروردی بود. امیرسیدحسین حسینی از فضلا و عرفا و معارف زمان خود بود... وی صاحب تألیفات و تصنیفات منظوم و منسوزی است که از آن جمله کتاب کنزالرموز، زادالمسافیرن، نه‌الارواح، روح‌الارواحی، صراط‌المستقیم... و... است، لاهیجی می‌گوید: او قطب فلک سیادت و مرکز دایرهٔ ولایت بود و رسائل نظم و نثرش همه مقبول خواص و عوام است، و ندرت شعر نگفته بود و منظوم ساختن این کتاب هم به درخواست دیگران بوده نه به صرافت علم خویش، ولی اشعاری که سروده، بسیار روان و سلیس و فصیح و بلیغ است و در ادبیات زبان فارسی کمتر شاعری وجود دارد که توانسته باشد اشعار علمی و فلسفی و مذهبی را این طور روشن و روان و معاصر، دکتر دینانی، شخص بهمنیار و شاگرد در برجسته دیگر این سینا به نام «ابن‌مصور زیله» در طرح آنها دخالت داشته‌اند.

از آنجا که بهمنیار در طرح این پرسش‌ها نقش عمده و

۱-شرح کمال‌الدین حسین اردبیلی (مختلص به الهی، ۲-شرح شاه داعی الی الله به نام «سنام گلشن» ۳-شرح محمد بن یحیی لاهیجی، ۴-شرح مظفرالدین علی شیرازی، ۵-شرح منسوب به جامی، ۶-شرح ادریس بن حسام‌الدین دبعلی، ۷-شرح باباعنمت بر محمد نجخوانی، ۸-شرح حاج میرزا ابراهیم ریحتمدار، ۹-شرح قاضی میرحسین یزدی. به نظر می‌رسد کاملترین این شرح‌ر تاکنون شرح لاهیجی باشد که خود از معارف غنی و متصوفه نیمه دوم قرن نهم و دهم هجری است. (تک، همان)

راز راز
اما در سال ۱۳۹۲) شرح گونه‌ای هر چند نه به اندازه هزار بیت، اما به شیوهٔ روش مند و اندیشه گستر گفتگو از سبوی انتشارات اطلاعات منتشر شده است. این شرح که در پایان راز را بر عنوان خود نیز درج حاصل گفتگو و هم صحبتی پژوهشگر پرتلاش آقای کریم فیضی با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی است که در ۲۴۶ صفحه سامان یافته و به بازار نشر عرضه شده است.

دکتر دینانی در این شیوه دارای سابقه و مهارت است و تولیدات معرفتی بسیاری دارد. کتاب‌های از جمله: «شاعش ششم»، «هستی و مستی»، «حافظ معنوی»، «فصل سب سرنوشت»، «راز راز» و نیز برنامه معرفت شبکه ۴ تلویزیون که سالهاست روی آنتن است می‌توان نام برد. «راز راز» مشتعل بر مقدمه کتابه‌ای از کریم فیضی و مقدمه مفصل دیگری به قلم دکتر دینانی است که در آن به مباحثی چون تعبیر چند گانه از عرفان، رابطه عقل و عرفان، واحد عددی و واحد حقیقی، سرسخن عارفان، بزرگان بی‌سلسله عرفان، تأثیر ابن عربی بر شیخ شبستری و زبان شعر زیبا نویل، پرداخته شده است.

در ادامه نیز در فصل که گویا هر جلسه گفتگویی با استاد معاصر فلسفه، دکتر دینانی است موضوعاتی از میان سخنان و اشعار شیخ شریعتی برگزیده و فصل سخن قرار گرفته است. همان‌طور که کلیت این نوشتار بر بزرگان تفوق و ترجیح روش گفتگو و پرسشی و پاسخ بر سایر روش‌های تولید علم به ویژه در حوزه علوم انسانی است، روش یادآور شده و در این شرح از گلشن راز، از این روش استفاده شده و استاد دینانی در پاسخ به پرسش‌های دقیق، زوایای ناشکفته‌ای از اندیشه‌های شیخ شبستری را باز کرده و وسعت و عمق جدیدی به آن بخشیده است. از اختلاف

## \* آثار علمی برجسته غالباً در پی پرسشها و درخواستهای عمیق به وجود آمده‌اند و نظر به‌های علمی که با ابتنا بر پرسش خلق شده‌اند، چون از متن نیاز جامعه شکل یافته‌اند. کاربرد بیشتری در سطوح مختلف به ویژه سطوح علمی باید می‌کنند

♦♦♦
تفسیرها، در منطق به اشراق، جنگ با فیلسوفان، برکات عدم بر وجود، لفظ و معنی، در جستجوی بازگشت به جهان وارونه، مسافران طریق، حقیقت تائمه حمیدیه، آن سبوی و تائمه برای سبای سابه‌ها، دامنه‌های وصال و وصل، مشرق جان و اوج حریت عاوانی است که در هر فصل مورد پرسش قرار گرفته و از پس آن بخشی از اندیشه‌های زرف و عمق پاسخگو (دکتر دینانی) نیز ظهور می‌یابد.

♦♦♦
افلاطون، رساله، ترجمه محمود صاعی، نشر هرس، تهران، ۱۳۲۸، چاپ بیستم
افلاطون، جمهوریت، ترجمه فؤاد روحانی، نشر علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ دوازدهم
دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم
سمعی، کیوان، مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز، نشر طباطبائی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۳۹، نشر کانون انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱
فضلی، کریم، راز راز (تفسیر دکتر دینانی از گلشن راز) نشر انتشارات، تهران، ۱۳۹۲، چاپ اول.
نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر پارسیان، تهران، ۱۳۷۹، چاپ دوم
نیکلسون، رینولد، شرح مثنوی معنوی مولوی، ترجمه و تعلیق حسن لامرئی، نشر علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۴، چاپ اول.

مجموعه، به همراه فهرست منابع و مآخذ برای آگاهی بیشتر مخاطبان ارائه گردیده است.

**مطالعات ملی**
فصلنامه علمی – پژوهشی «مطالعات ملی» به شماره ۵۷ رسید. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:
الگوهای بازنامه‌ی هویت ملی در سیستم آموزشی ایران (یعقوب فروغی)، نقد سیاست‌های نو لیبرالیسم برای ایجاد هویت نرین در فرهنگ / حمداله محمادی، فاطمه زبیساک، تحلیل جدایی جلودهای ایثار در سینما
دفاع مقدس ملی سالهای ۱۳۶۰ / ۱۳۶۶ / حامد بخشی، نشر دانشگاه برسی عوامل مؤثر بر چنده‌لایه بودن هویت / اکبر زارع شاه‌آبادی، فهمیه راهب، سربای اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی مطالعه میوزی، جوانان شهر نارباجیان، مسعودی خواجه نوری، نسل برنجاس، صغری همت، آذربایجان و هویت ملی / رحمت‌احمدی، علی درازی، فر تحلیل هویت‌پروری در ایران (با سطفت نظر به مقالات علمی – پژوهشی یک دهه گذشته / ۱۳۶۱ – ۱۳۸۱) موهی ابراهیمی (سیدمحمد غفران نیکنام راز، پوشاک محلی بولچا و پیوستگی آن با هویت ملی / سید نور محمد حاجی، سکنه

خاتون محمود، موضیه قاسمی، در یکی از مقالات می‌خوانیم: «سینما جای جمعی به تلاش فرهنگی – اجتماعی جامعه به منظور افزایش توان دفاعی نظامی کشور برای مقابله با دشمن متجاوز است و از این رو در زمان جنگ این سینما کارکرد خاصی دارد که با کارکرد مسعودی خواجه نوری، نسل برنجاس، صغری همت، آذربایجان و هویت ملی / رحمت‌احمدی، علی درازی، فر تحلیل هویت‌پروری در ایران (با سطفت نظر به مقالات علمی – پژوهشی یک دهه گذشته / ۱۳۶۱ – ۱۳۸۱) موهی ابراهیمی (سیدمحمد غفران نیکنام راز، پوشاک محلی بولچا و پیوستگی آن با هویت ملی / سید نور محمد حاجی، سکنه

# ترویج گسترده سبک زندگی غربی در ایران اسلامی!

## سید محمود خسروشاهی – مدیر اجرایی مرکز بررسیهای اسلامی

یکی از مباحثی که چند سالی است به آن پرداخته می‌شود و تاکنون اقدامات خوبی در آن صورت گرفته، ترویج سبک زندگی اسلامی – ایرانی است؛ اما مهمی که با توجه به فرهنگ غنی ایرانی و تعالیم گسترده و دقیق اسلامی، شایسته بود که از نخستین سالهای انقلاب به آن اهمیت بیشتری داده می‌شد. چرا که با مراجعه به کتب و نرم‌افزارهای موجود، متأسفانه مشاهده می‌شود که متون آماده‌شده و کارهای انجام گرفته هنوز در مقابل حجم گسترده‌ای از اطلاعات ترجمه شده غربیها که در اختیار خانواده‌ها قرار گرفته، ناچیز است.

با این حال و با رغبت تأخیر در این مهم، با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، استفاده از فضای مجازی، نشریات خانوادگی و رسانه ملی می‌توان با انتشار کتاب و تولید نرم‌افزار و ساخت فیلم و سریالهای مختلف با استفاده از منابع معتبر دینی و تاریخی این عقب‌افتادگی را جبران کرد. همچنین رانندازی سایتهای متعدد زیر نظر مراکز معتبری که به جوانب مختلف زندگی و اساس آداب‌های دینی اشراف داشته باشند می‌تواند به پیشرفد این مهم کمک مضاف بنماید.

آنچه در حال حاضر در جامعه ایرانی با آن رووبرو هستیم، این واقعیت است که تربیت فرزندان و حتی تعریف نوع روابط بین افراد خانواده بر اساس ملاک و معیار غربی، روزبه‌روز در حال گسترش است و حتی بعضی تبلیغات صدا و سیما نیز به آن دامن می‌زنند؛ در اینجا باب نمونه و هشدار به چند مورد از کتب، نرم‌افزارها و بسته‌های آموزشی که در شمارگان (تیراژ) وسیعی منتشر و به محصولات گسترده مورد استقبال خانوادها قرار گرفته و به فروش می‌رسد، اشاره می‌کنم:

۱) دی.وی.دی مهارت‌های رفتار با فرزندان: این DVD مجموعه‌ای از فیلم‌های آموزشی است که توسط یکی از مؤسسات معتبر آموزشی کودکان در استرالیا تهیه شده و زیر نظر متخصصان این حوزه در کشور به فارسی برگردانده شده است.

۲) کتاب از تولد تا پنج سالگی: تهیه‌کننده: مؤسسه NHS انگلستان. (هشدار: امتیاز این کتاب در سیات به این شکل نوشته شده است: این کتاب توسط مؤسسه بهداشت ملی انگلستان تهیه شده است و به دلیل اهمیت بسیار زیادی که دانستن نکات موجود در این کتاب دارد، توسط دولت انگلستان به تمامی پدرها و مادرها اهدا می‌شود.)

۳) کتاب کودک فعال، مغز سالم: کشور ناشر: آمریکا
۴) کتاب مهارت‌های فوق‌العاده: کشور ناشر: آمریکا
۵) مجموعه آزمونهای پایش تکامل کودک: کشور ناشر: آمریکا
۶) تنها بازی محصول تاگراگ است. حتی این بازی پیشنهادی برای بچه‌ها هم داخلی نیست. (بازی تاگراگ یک بازی فکری است که چندین قرن پیش توسط مردم چین ابداع شده است.)

۷) تنها بخش این بسته که در داخل تهیه شده است، مجموعه DVD شامل شش ساعت فیلم آموزشی – مشاوره‌ای متخصصان و روان‌شناسان برجسته کشور در حوزه رشد و تکامل کودکان است. وجه اشتراک همه این محصولات که روزانه دهها بار در شبکه‌های سیما تبلیغ می‌شود، غربی‌مندی بودن آنهاست و هر چند مسئولان این مؤسسه می‌گویند سعی شده محتوا بررسی و بومی‌سازی شود، این محصولات باید به دقت بررسی گردند. با این حال بدیهی است خوراک اصلی این



کتابها از کتب انگلیسی و امریکایی تأمین می‌شود و حتی به عنوان امتیاز این بسته‌ها نوشته شده که دارای مجوزهای کیفیت از نهادهای متعدد اروپایی و آمریکایی از جمله مؤسسه بهداشت ملی انگلستان می‌باشند! این مساله خبر خوبی نیست و با اطمینان می‌توان گفت اینکه والدین از ابتدای تولد فرزندان‌شان، آنها را با سبک و سبب غربیها هدایت کنند، سرانجامش به زندگی ایرانی – اسلامی ختم نخواهد شد.

ب) انجمن روان‌پزشکی کودکان و نوجوانان ایران هم بسته‌هایی آموزشی برای خانواده‌ها تهیه کرده است که مشخصاتش به این شرح است:
۱) برنامه «فرزندپروری سوزانده» که در دانشگاه کوئینزلند استرالیا طراحی و اجرا شده است.
۲) کلیه‌های آموزشی «بهبود رابطه والد – کودک از طریق بازی» توسط گری ال لندرت و سوسی. براتون، تهیه و منتشر شده است.
۳) «انتخاب‌های درست» که یک بسته چندرسانه‌ای برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان است و لیندا، هربرت فرد تهیه کرده است.

۴) بسته آموزشی «کمک‌ا من یک نوجوان دارم» که لیندا هربرت تهیه کرده است.
۵) تنها محصول بومی این انجمن نیز «آموزش روان‌شناختی در اختلال دو قطبی» که یک بسته آموزشی است که توسط متخصصان داخلی تهیه شده است.

ج) علاوه بر اینها، با مروری بر کتابهای انتشارات (...) که از ناشران فعال در زمینه‌های روان‌شناسی تربیتی و روان‌گادگی می‌باشیم که این کتابها نیز آمیخته‌اند، دیدن بسته کتب و موضوعات انتخابی این باعث تأسف است و بدتر آنکه هر کدام از این متون بارها و حتی گاهی پانزده بار تجدید چاپ، و ظاهر آن از استقبال شده است. از میان دهها عنوان کتاب چاپ‌شده تنها به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم و مشاهده می‌کنید که روش آشنایی کودکان با خدا را نیز از یک نویسنده غربی ترجمه و چاپ کرده‌اند، همین‌طور مسائل تربیتی دختران و پسران و حتی آموزش دستشویی به کودکان... بعضی عناوین چاپ‌شده عبارتند از:
۱) بازیاز زندگی پس از طلاق، دکتر بروس فیشر / دکتر رابرت آلبرتی
۲) کلیدهای پرورش مهارت دوست‌یابی، دکتر میشل بریا
۳) راهنمای کامل تربیت کودک آرتیست پتلی
۴) راهنمای بهبود روابط خواهر و برادرها، بت اسپانگین / ویکتوریا ریچاردسون

۵) کلیه‌های آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، دکتر کریستال دفرانتس
۶) کلیه‌های شناخت و رفتار با دخترها، دکتر نانسسی استایدرمن / پگ استرپ

۷) کلیه‌های تربیت و رفتار با پسرها، استیو بایلف
۸) آموزش دستشویی رفتن به کودکان، مگ زویبک
**تذکر و هشدار**



با قلب تپنده میتسویشی  
طراحی پینین فارینای ایتالیا  
دارای ۵ ستاره ایمنی

کرمان موتور

نوروز مبارک



اتوماتیک تیپ ترونیک

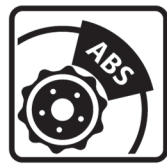
- سیستم تهویه مطبوع خودکار ● صندلی جلو با قابلیت تنظیم در ۸ جهت ● آینه های جانبی همراه با سیستم گرمکن
- سیستم کنترل باد لاستیک ها ● سنسور دنده عقب ● ترمز ABS , EBD ● سان روف ● کیسه هوا راننده و سرنشین جلو



TPMS



ISOFIX



ABS



Front Airbags



EBD



Leather Seats

Guarantee  
50,000 Km or 2Years

MP3 Player



Sunroof

Automatic  
Transmission

شهر	کد	نمایندگی	تلفن	کد شهر
نیشابور	۲۰۱۱	زرندی	۳۳۳۴۴۳۲	۰۵۵۱
بجنورد	۲۱۰۱	عضدی	۲۳۱۶۷۹۱-۵	۰۵۸۴
اهواز	۲۲۰۱	شرکت خوزستان گل ماشین (خیاط زاده)	۴۴۷۹۰۹۳	۰۶۱۱
اهواز	۲۲۰۲	زیبایی	۵۱۵۷	۰۶۱۱
دزفول	۲۲۰۳	مسعودفر	۲۲۳۲۱۳۱	۰۶۴۱
اهواز	۲۲۰۴	خانم زاهدی وفا	۳۹۱۵۲۰۶-۹	۰۶۱۱
زنجان	۲۳۰۲	قربانیان	۳۲۳۷۰۷۱-۳	۰۲۴۱
شاهرود	۲۴۰۱	کلاته	۲۲۴۴۱۲۶-۷	۰۲۷۳
سمنان	۲۴۰۲	اربعه	۳۳۰۱۶۶۷	۰۲۳۱
شاهرود	۲۴۰۳	رضایی	۲۲۳۶۳۰۱-۵	۰۲۷۳
زاهدان	۲۵۰۱	غازی زاده	۳۲۳۱۹۸۱	۰۵۴۱
شیراز	۲۶۰۳	زارع	۶۷۶۲۱۵۴	۰۷۱۱
مرودشت	۲۶۰۵	شیروانی	۳۳۳۵۶۳۹ - ۳۳۳۹۳۶۸	۰۷۲۸
شیراز	۲۶۰۶	حسینی	۲۳۴۵۵۵۱-۲	۰۷۱۱
شیراز	۲۶۰۷	رستمی	۸۴۲۴۸۲۸ - ۸۴۲۴۹۴۱	۰۷۱۱
شیراز	۲۶۰۸	تعمیرگاه مرکزی شیراز (سالاری)	۸۳۱۶۴۶۵ - ۸۳۱۶۲۶۳	۰۷۱۱
آباده	۲۶۰۹	نیکو	۳۳۳۸۱۵۰	۰۷۵۱
قزوین	۲۷۰۱	شرکت سفیر خودرو امین (طیبا)	۲۵۵۹۰۵۳	۰۲۸۱
قم	۲۸۰۱	شرکت خدماتی نگین خودرو قم (حسنخانی)	۳۶۶۶۴۴۱-۲	۰۲۵
قم	۲۸۰۲	صمصامی	۳۸۸۷۷۷۰۰	۰۲۵
سنندج	۲۹۰۱	مومنی	۳۲۴۴۴۸۳ - ۳۲۸۹۹۵۹	۰۸۷۱
کرمان	۳۰۰۱	شرکت خدمات بازرگانی هزار (برازوان)	۳۲۵۷۸۰۱-۲	۰۳۴۱
بم	۳۰۰۲	امانیان	۲۳۱۳۳۳۱	۰۳۴۴
رفسنجان	۳۰۰۳	میرزایی	۸۲۲۷۷۱۰	۰۳۹۱
کرمان	۳۰۰۷	شجاعی	۲۷۲۸۷۴۴	۰۳۴۱
سیرجان	۳۰۰۸	صفاری	۴۴۱۹۲۸۳ - ۴۲۳۱۱۹۷	۰۳۴۵
جیرفت	۳۰۰۹	کریمی افشار	۲۴۱۴۹۱۹	۰۳۴۸
بم	۳۰۱۰	ادیب	۲۳۱۹۷۷۶	۰۳۴۴
رفسنجان	۳۰۱۲	یوسفی	۸۲۲۰۷۹۳	۰۳۹۱
کرمانشاه	۳۱۰۱	الهیاری	۸۲۱۳۸۴۳	۰۸۳۱
یاسوج	۳۲۰۱	زارع	۳۳۳۶۰۶۰	۰۷۴۱
گرگان	۳۳۰۲	جلالی	۳۳۶۰۱۲۷ - ۳۳۴۵۸۲۲	۰۱۷۱
گنبد کاووس	۳۳۰۳	ولی محمدی	۲۲۲۲۴۲۷ - ۲۲۲۲۸۶۵	۰۱۷۲
رشت	۳۴۰۱	سرمد	۸۸۹۲۴۶۶	۰۱۳۱
رشت	۳۴۰۲	شرکت احیا موتور (باقری)	۸۸۵۰۷۱۰ - ۳	۰۱۳۱
رشت	۳۴۰۳	شرکت دیار بهمن شمال (میر خداوندی)	۲۲۵۵۳۵۵	۰۱۳۱
لاهیجان	۳۴۰۴	طواف زاده	۲۲۳۹۵۲۳	۰۱۴۱
خرم آباد	۳۵۰۱	ناصری	۴۲۰۱۰۴۰	۰۶۶۱
چالوس	۳۶۰۱	فقیه نصیری	۲۲۵۲۸۸۶	۰۱۹۱
بابل	۳۶۰۲	آقاچانی	۲۲۷۴۴۹۰	۰۱۱۱
تنکابن	۳۶۰۳	کاویانی	۴۲۷۲۴۲۴ - ۴۲۷۵۰۰۰	۰۱۹۲
آمل	۳۶۰۷	موسوی	۳۲۵۱۲۵۰	۰۱۲۱
ساری	۳۶۰۸	عرب خزانلی	۲۳۴۲۸۵۰	۰۱۵۱
بابل	۳۶۰۹	صادقی	۲۲۵۲۵۰۰ - ۲۲۵۲۵۰۵	۰۱۱۱
محمودآباد	۳۶۱۰	موسوی	۷۷۳۵۰۲۷	۰۱۲۲
بابل	۳۶۱۱	ابوالحسنی	۲۲۵۵۲۲۳	۰۱۱۱
اراک	۳۷۰۲	محمدی	۳۲۷۷۳۶۱۲	۰۸۶
ساوه	۳۷۰۳	نیکوکار	۴۲۴۶۰۲۷۹	۰۸۶
همدان	۳۹۰۱	اهور	۲۶۵۶۵۶۵	۰۸۱۱
همدان	۳۹۰۲	باب الحواتجی	۴۲۶۵۸۰۲	۰۸۱۱
یزد	۴۰۰۱	شرکت احرار (فرشی)	۸۲۵۴۴۷۰	۰۳۵۱

شهر	کد	نمایندگی	تلفن	کد شهر
تبریز	۱۰۰۱	شرکت تیزران خودرو (علیپور)	۲۸۶۱۱۴۳-۵	۰۴۱۱
تبریز	۱۰۰۲	شرکت بابیان خودرو خودکار (خودکار)	۵۵۱۲۷۲۴ - ۶۳۷۹۰۲۰-۵	۰۴۱۱
مراغه	۱۰۰۳	شرکت رصد خودرو مراغه (فرخنده حال)	۲۲۷۶۸۶۸-۷۴	۰۴۲۱
سراب	۱۰۰۴	داوودی	۲۲۳۴۱۳۳	۰۴۳۱
ارومیه	۱۱۰۱	جوانمشن	۲۶۲۲۵۲۷ - ۲۶۲۲۲۸۷	۰۴۴۱
ارومیه	۱۱۰۳	جوانمشن	۲۳۸۲۰۰۰	۰۴۴۱
سلماس	۱۱۰۴	منسوبی	۵۲۳۴۶۷۳	۰۴۴۳
اردبیل	۱۲۰۱	فصاحتی	۶۶۱۲۵۳۲	۰۴۵۱
اصفهان	۱۳۰۱	حاج نیلی	۶۲۶۱۱۸۱ - ۳	۰۳۱۱
اصفهان	۱۳۰۲	بشتام	۳۲۰۶۳۶۲	۰۳۱۱
شهرضا	۱۳۰۳	گلایی	۲۲۸۷۲۵۳	۰۳۲۱
اصفهان	۱۳۰۴	شرکت حافظ قطعات (قلی بیگیان)	۳۸۶۸۹۰۰	۰۳۱۱
کرج	۱۴۰۱	معینی و زمانی	۳۴۶۷۹۰۹۵	۰۲۶
کرج	۱۴۰۲	صفری	۳۴۳۳۳۴۳۹ - ۳۴۳۳۳۴۳۶	۰۲۶
کرج	۱۴۰۳	باقری	۳۲۷۳۸۰۶۰	۰۲۶
مارلیک	۱۴۰۴	شاه محمدی	۶۵۱۵۷۹۷۹	۰۲۱
کرج	۱۴۰۷	باقری	۳۴۲۰۴۹۲۹	۰۲۶
ایلام	۱۵۰۱	رییسی	۳۳۸۴۰۲۶	۰۸۴۱
بوشهر	۱۶۰۱	کاردرانی	۲۵۳۵۲۶۰ - ۴۵۵۲۸۷۶	۰۷۷۱
تهران	۱۷۳۰	مومنی	۷۷۶۲۶۹۸۵-۷	۰۲۱
تهران	۱۷۳۱	پایدار فرد	۲۲۸۴۰۰۸۸	۰۲۱
تهران	۱۷۳۲	یعقوبیان	۸۸۶۱۸۶۵۰-۳	۰۲۱
تهران	۱۷۳۳	خسروانی	۶۶۰۱۵۵۰۲	۰۲۱
تهران	۱۷۳۴	میرزایی	۸۸۴۳۳۶۸۴	۰۲۱
تهران	۱۷۳۵	برزگری	۶۶۹۶۳۹۸۷	۰۲۱
تهران	۱۷۳۶	خرمی	۸۸۹۶۶۹۶۶	۰۲۱
تهران	۱۷۳۹	خانم غلامی	۶۶۶۴۴۵۲۸ - ۶۶۶۳۴۹۵۳	۰۲۱
تهران	۱۷۴۲	شرکت دنیز پارس آریا (بیگزاده)	۴۴۶۷۱۰۸۵ - ۴۴۶۹۷۶۳۱	۰۲۱
اسلامشهر	۱۷۴۶	مقدسی	۵۶۱۲۲۲۱۲ - ۱۴	۰۲۱
تهران	۱۷۴۷	زیبایی	۲۲۲۲۵۶۰۲ - ۲۲۲۲۴۶۷۶	۰۲۱
تهران	۱۷۴۸	خدامددی	۴۴۴۲۷۹۳۶	۰۲۱
تهران	۱۷۵۱	مرادی	۲۲۳۲۲۴۴۸	۰۲۱
تهران	۱۷۵۲	رفیعی نیا	۶۶۴۳۴۳۱۲ - ۳۳۵۴۶۳۲۶	۰۲۱
تهران	۱۷۵۳	محمدی	۴۴۴۵۳۶۱۲-۴	۰۲۱
تهران	۱۷۵۶	زارع	۴۴۸۲۹۴۸۹ - ۴۴۸۰۸۷۹۶	۰۲۱
تهران	۱۷۰۳	شرکت هویک پارس (هویک)	۲۲۵۲۳۵۷۳	۰۲۱
تهران	۱۷۰۶	فتوحی	۶۶۴۰۴۴۴۶	۰۲۱
تهران	۱۷۰۷	شرکت اوج صنعت غرب (مشایخ)	۴۴۵۲۳۶۰۴ - ۴۴۵۰۳۰۷۷	۰۲۱
ری	۱۷۰۸	سلیمانی پور	۳۳۷۶۶۱۶۱	۰۲۱
تهران	۱۷۰۹	شرکت خدمات خودرویی بادران گستر ایرسا(علوی نسب)	۷۷۳۳۳۴۱۰ - ۷۷۹۶۶۵۶۱	۰۲۱
تهران	۱۷۱۱	تعمیرگاه مرکزی شماره ۲ JAC (محمدی - زارعی)	۴۴۹۸۲۰۰۰	۰۲۱
تهران	۱۷۱۲	خواجوند بدیعی	۷۷۵۲۷۵۱۸	۰۲۱
تهران	۱۷۱۴	مددی مهر	۵۵۳۲۰۹۰۸	۰۲۱
تهران	۱۷۱۵	تعمیرگاه مرکزی شماره ۳ (زارعی)	۶۶۸۱۹۸۱۸	۰۲۱
تهران	۱۷۱۶	شرکت آوا خودرو همراه (غلامی)	۶۶۶۴۴۱۲۶	۰۲۱
بیرجند	۱۹۰۲	غازی زاده	۴۴۴۶۵۰۹	۰۵۶۱
مشهد	۲۰۰۱	تعمیرگاه مرکزی مشهد (عاکف)	۸۵۲۶۰۰۹ - ۶۶۷۵۰۰۷	۰۵۱۱
مشهد	۲۰۰۶	هادی زاده	۶۰۷۱۰۷۰	۰۵۱۱
سبزوار	۲۰۰۷	علی آبادی	۲۲۹۳۳۳۱ - ۲۲۹۳۳۲۸	۰۵۷۱
قوچان	۲۰۰۸	بابایی	۲۲۱۲۸۰۰	۰۵۸۱
گناباد	۲۰۰۹	نوری	۷۲۲۶۹۵۱-۲	۰۵۳۳



دانلود کاتالوگ چی ۵





















**نخستین ترجمه از کتاب جنجالی افسر سابق «سیا»** پیدایش ترویس متکفیری نوشته: **رابرت بانن** • **منبع: العالم**
۱۴ نوشت: رابرت بانن، یکی از اعضای سابق سیا، در کتاب خود می‌گوید که سیا به صورت کورکورانه با افرادی مانند خالد شیخ محمد در ارتباط بود.

**عربستان پناهگاه امن اخوان**
هنگامی که عبدالناصر در سال ۱۹۵۴ عرصه را بر اخوان المسلمین در مصر تنگ کرد، آنان به عربستان فرار کردند و در آنجا با آغوش باز پذیرفته شدند. آنان با تفکرات ابن تیمیة آشنا بودند.

و هابی‌های افراطی از مدتها قبل دانشگاه‌ها و مدارس دینی در عربستان را زیر سلطه خود برده بودند. در اوایل سال ۱۹۶۱ اخوان المسلمین به عربستان نفوذ کرده و ملک سعود را متقاعد کردند تا از دانشگاه اسلامی در شهر مدینه حمایت مالی کند تا این دانشگاه جایگزین الأزهر در قاهره شود. در تابستان ۱۹۷۱ ملک فیصل سفر هیاتی از اخوان را از عربستان سعودی به مصر فراهم کرد تا با سادات آشتی کند. "سعيد رمضان" رئیس این هیأت بود ولی سادات و اخوان نتوانستند به توافق برسند. سپس عربستان دست خود را پس کشید. "محمد حسنین کبیک" مشهورترین روزنامه‌نگار مصری به این موضوع در کتاب "پاییز خشم" اشاره کرده است.

در اوایل سال ۱۹۷۰ کشی شک نداشت که عربستان به اخوان المسلمین و حیاط خلوتی برای اخوان تبدیل شد. می توانید حسن البنا و اخوان المسلمین را هر گونه کسی می خواهید تعریف کنید ولی امروز آنان به عنوان تروریست شناخته می شوند. شعاری ها "حسن البنا" همان آخرین سخنان رایبندگان هواپیمای حادثه ۱۱ سپتامبر بود.

اسامه بن لادن بهترین نمونه برای تأثیر در هم آمیخته شدن وهابیت و اخوان المسلمین است. بن لادن دانشجوی دانشگاه ملک عبدالعزیز بود و در آنجا تحت تأثیر دو تن از مرشدان اخوان المسلمین یعنی "عبدالله عزام" و "محمد قطب" قرار گرفت.

عزام، یک فلسطینی - اردنی بود که از سوی اخوان المسلمین در الازهر به کار گرفته شد. پس از مدت کوتاهی با نام "امیر جهاد" شناخته شد. در آن زمان تنها کشوری که می توانست او را بپذیرد عربستان سعودی بود. در این کشور او را به عنوان مدرس دانشگاه به کار گرفتند. عزام و بن لادن در دوران جنگ افغانستان با یکدیگر در پیشاور پاکستان بودند.

محمد قطب نیز برادر "سید قطب" از رهبران اخوان بود. سید قطب به افراطی ترین افراد در مصر بود. او از این تفکر حمایت می کرد که همه مسیحیان و یهودیان کافر هستند و باید کشته شوند. سید قطب در سال ۱۹۶۶ در مصر اعدام شد ولی تفکرات او ادامه یافت.

واشنگتن به دو دلیل از وهابی ها و اخوان چشم پوشی کرد: نخست اینکه اخوان در جنگ سرد در کنار آمریکا بود و با شوروی می جنگید، و دوم اینکه سعودی‌ها در آن برهه برای آمریکا نفذ ذخیره می کردند.اخوان بیشتر شبیه به سرطانی است؛ در نهادهای میزبان رخنه کرده و رشع می دوند و مدت زیادی طول نمی کشد که کل بدن انسان را فرا گیرد.

**آمریکا در برابر دو قدرت ایران و روسیه**
واشنگتن در خلیج فارس و آسیای میانه فقط به یک چیز اهمیت می دهد و آن ذخایر عظیم نفت و گاز این مناطق است. بیشترین نفت آسیای میانه در قزاقستان وجود دارد و گاز نیز در ازبکی ترکمنستان. حدود ۲۲۰ میلیارد بشکه نفت و مقادیر بسیار زیاد گاز در حوزه دریای خزر می تواند برای مدتها چراغ خانه های آمریکا را روشن نگه دارد.

تنها مشکل این است که قزاقستان و ترکمنستان در مناطق کوهستانی اورآسیا و غیر ساحلی قرار دارند. در دوران اتحاد شوروی، انرژی آسیا به

سوی غرب و روسیه و شرق اروپا از طریق خطوط لوله بسیار پیچیده صادر می شد. این همان مشکل نفت و گاز آسیاست که همه لوله ها از روسیه عبور می کنند.

روسیها می توانند برای تحت فشار گذاشتن کشورهای صاحب انرژی، جلو صادرات آن را بگیرند. انرژی فقط وقتی ارزش دارد که با روسیه باشی و در غیر این صورت باید آن را زیر زمین به حال خود رها کنی.

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، واشنگتن تصمیم گرفت انرژی آسیای میانه را به صورت راهبردی به کار گیرد. اما به نظر می آید بازی بزرگ دوباره آغاز شده ولی این بار آمریکا در مقابل دو قدرت منطقه ای قرار دارد: "روسیه و ایران".

طبیعتاشرکت‌های نفتی آمریکایی در فهرست انتظار قرار دارند. "شیورون" و "موویل" از بزرگترین سهام داران نفتی، قراردادهایی بزرگ در قزاقستان منعقد کردند. "اموگو" نیز چاه بزرگی را در جمهوری آذربایجان خرید. "یونوکال" هم طرحی را برای ایجاد دو خط لوله موازی از طریق افغانستان پایه نهاد.

آنها به اوضاع بی ثبات سیاسی منطقه که پایانی ندارد توجهی ندارند. اما سوال این است که شیورون، موویل و اموگو چگونه می توانند در دریای خزر به نفت دست یابند و آن را استخراج کنند در حالی که امن ترین مسیر از طریق روسیه به دریای سیاه و از آنجا به مدیترانه است.

البته روسیه نباید داشت از شرکت‌های نفتی آمریکایی باج بگیرد. آنها در مقابل هسرت نفت ۳ دلار می گرفتند. راه جایگزین نیز از ترکیه بود ولی این خط لوله هم باید با از طریق گرجستان عبور می کرد یا ارمنستان که باز هم روسیه بر آن احاطه دارد.

**عربستان، بانک نفت دنیا**
عربستان سعودی نیز در آن زمان امن نبود. سعودی ها گفته اند حماقت است اگر نفت آسیای میانه را جایگزین نفت خاورمیانه دانست. باید بی ثباتی سیاسی را فراموش کرده و به هزینه‌ها نگاه کنیم.هنگامی که هزینه ایجاد دو خط لوله اصلی برای صادرات نفت ۷ میلیون دلار بر آورد شد، موضوع دریای خزر به ویژه برای سعودی ها کاملاً بی معنی بود.

ولی عربستان سعودی در آن زمان دولت آمریکا اطلاع نداشت. جنگ سرد پایان یافته بود. در آن زمان چه کسی اهمیت می داد که آسیای میانه از روسیه جدا شده یا خیر؟ پس آمریکا به اندازه کافی در این زمینه سرمایه گذاری کرده تا به رویاهای دست یابد. آمریکا ده ها میلیارد دلار برای جنگ در خلیج فارس هزینه کرد.

آمریکاصار داشت که جنگ برای حفظ وضعیت کنونی ضروری است و این جنگ، این اطمینان را به وجود می آورد که آل سعود همچنان به عنوان بانک نفت دنیا باقی می ماند. عربستان سعودی به دلیل عصبانیت از آمریکا و نگرانی از پیامدها، بر دریای خزر دست گذاشت. ولیعهد عربستان با کمک سرهایداران این کشور دلتای نفتی تشکیل داد. این هیئت خشم عربستان از واگذاری منابع از استفاده از شرکت‌های نفتی آمریکایی نشد.

پس از خروج از سیاه، توجه شد مسازمان اطلاعات عربستان به ریاست ترکی فیصل با شرکت آرتانژنتی "پارادایز" برای ساخت خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان به توافق رسیده است. این قرارداد برای شرکت آرتانژنتی بسیار خوب بود، زیرا ترکی فیصل پیش از هر عربستانی دیگری روابط خوبی با طالبان داشت و صدها میلیارد ریال سعودی به آنان داد.

طلا، سیاه، جنگ عراق، افراطی گری، جنگ داخلی و طمع ورزی های روسیه همگی بازی بزرگی بودند که دوباره شروع شده بود. ولی چه کسی در این بازی حضور داشت و چه کسی حضور نداشت؟ این بار قواعد این بازی چیست؟ همه اینها مسائلی بود که باید از آنها مغلق می شد.

سفر ۴۰ دقیقه ای از "ایشیک" به "اوس" در قزقیزستان این فرصت را به من داد که در درباره همه چیزهایی که می خواستم بدانم. بیندیشم.اسلامگرایان افراطی در حال حمله بودند. باید به صورتی در خصوص "یولداشیو" سر کرده انجیناسلامی ازبک ها "دست می یافتم.

در اکتبر ۱۹۹۲ به دلیل جنگ داخلی از تاجیکستان فرارخوانده شدم. سیا به من فرمان داد که به واشنگتن برگردم. برای بازگشت باید صبر می کردم. همه تلاش خودم را برای قانع کردن "مک گیون" رئیس اداره اورآسیای سیا به کار بردم تا اجازه دهد به آسیای میانه سفری داشته باشم.پس از مدتی به من اجازه داد که مسرقت پایتخت قدیمی ازبکستان بروم. سرزمین حکومت قاتلان، از اسکندر گرفته تا تیمورلنگ.

چند روز قبل از سفر، مک گیون بر نامه سفر من را امضا کرد و گفت: "در سمرقند فارسی صحبت می کنند؟ من هنوز مطمئن نیستم، ولی این موضوع را در تاریخ قرن چهاردهم خوانده ام و البته در شمال آمو دریا اوضاع یک شبه تغییر نمی کند".

**ادامه دارد**

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌های دینی می‌شود. تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

گفتگو و تعامل با دیگران و از جمله گروه‌های مختلف مسیحی است. از مازونی‌ها و شاخه‌های مختلفی گرفته تا کلیساهای متنوع و متعدد ارتدوکس موجود در لبنان، اما اینکه چگونه می‌توانیم از تجربه ایشان در شرایط امروز بهره جویم، اجازه دهید صریح‌تر صحبت کنم. در منطقه وسیع ما مجموعه‌ای از کشورهای قرار دارد که از بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و اوج‌گیری تعصب و خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکمیت مطلق تعصب‌هایی که نه تنها علیه غیرمسلمانان، بلکه علیه قاطبه مسلمانان است. آیه‌انه اولیت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را سهمی اساسی است. همچنین نباید اهمیت و اولویت توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی را از نظر خود داشت. اما در نهایت باید پذیریم که حضور آنها، حضور فعال اجتماعی و فکری و فرهنگی آنها به سود ما است و سطح علم و آگاهی و مبارزه با بیسوادی و فقر فرهنگی را

احترام و اعتماد وجود داشته باشد. موفقیت آقای صدر عمدتا به همین علت بود. لازم است در تجربه ایشان نامش گنجد و با الهام از آن و با توجه به شرایط امروز و سیاست جدید تعلیمی و گفتگوی خود را تدوین و اعمال نمایند.

گفتگو و دیالوگ که امروزه در همه‌جا از آن صحبت می‌شود، فرد گفتگوی فلسفی و کلامی یا مسیحیان غربی نیست که بعضا حاصل چتدانی هم ندارد. مهمتر آن است که گفتگو و تعامل را از گروه‌های دینی متفاوت در داخل منطقه خود آغاز کنیم. نتایج آن مطمئنا کمتر از نتایجی نیست که گفتگو با غربیان به دست می‌آوریم. در موقعیت موجود که متأسفانه عموم گروه‌های فعال اجتماعی و سیاسی موجود در صحنه منطقه، که اکثر آنها تأثیر اندیشیه‌سلفیان و تبلیغات ضدپارانی و ضدشیعی‌ای آثار دارند، پرداختن به آنچه گفته شد، یک ضرورت است.

### روابط بین الملل

**سخنان دکتر محمد مسجدجامعی در مراسم یادبود امام موسی صدر**

## ما و مسیحیان منطقه خاور میانه



✽ اشاره:

**✽ بدون شک مهم ترین عامل موفقیت امام موسی صدر، ارتباط گسترده ایشان با گروه های مختلف دینی و مذهبی بود و اینکه توانستند احترام و اعتماد آنان را برانگیزند،که اگرچه در نهایت،هدف،ان تقاء موقعیت و منزلت جامعه شیعه لبنان بود،اما این مهم،از طریق یک تعامل فعال با بخش های مختلف جامعه چند فرهنگی، چند قومی و چند مذهبی لبنان سرانجام یافت**

صدها مهاجرت هستند و این به سود تعادل اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست. این نکته به دلایل بسیاری برای ما از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است. بهتر است به اینجا به علت سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند ایجاد کند، به این دلایل اشاره نشود، اما لازم است در این زمینه‌ها بیشتر بیندیشیم. خلاصه عرض کنم، ما عراق و لبنان و سوریه و حتی مصری بیشتر به نفع ما و در نهایت در کنار ما است که اقلیت مسیحی اش شان و منزلتی متناسب با خشونت رنج می‌برد، اما چه همسایگان خاورمیانه‌ای و عرب ما و چه همسایگان شرقی ما بدون شک بخشی از مشکل، به دلیل دخالت‌های خارجی است، اعم از آنکه از بیرون منطقه باشد یا از کشورهای منطقه. اما بخش مهمی از آن به دلیل فقر فکری و فرهنگی و خشک اندیشی و جمود دینی و مذهبی و عدم تنوع اجتماعی است. حضور اقلیت مسیحی خصوصا در کشورهای عربی و امکان نقش آفرینی آنها علیرغم مشکلاتی که می‌تواند در داشته باشد، در نهایت به نفع تنوع و غنای اجتماعی و فرهنگی است، آن تنوعی که مانع از حاکم





















هرکه نان از عمل خویش خورد منت حاتم طائی نبرد

«سعدی»



امیر خسرو

خاطرهای از لطف الله مخم پایان و عباس یمنی شریف

## موسیقی و سراینده «من یار مهربانم»

تعدد برای آثار او ساخت، جناب دکتر حسین گل گلاب بود. پدر من هم سرودهایی برای آموزشگاه‌ها و دانشسراها ساخت و این هم در آن مجموعه هست. بنابراین خانواده ما با مخم پایان آشنا بودند.

در ضمن خاطره‌ای یاد می‌آید که مرحوم مخم پایان، استاد برجسته در علم جغرافیا بود. او از پیشروان مدرن‌سازی جغرافیا و استاد مبرز بود در دانشگاه مشهد و در سفری که خانواده ما به مشهد داشت و من ۱۰ سال داشتم، به خاطر هست که میهمان ایشان در منزل بودیم.

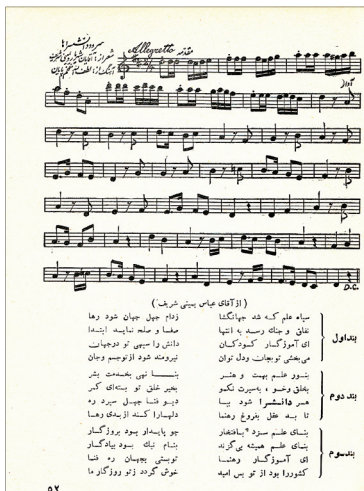
آقای مخم پایان از پدرم دعوت کرد که به اتاق مطالعه برویم. در آنجا قفسه‌های بلند کتاب بود و در داخل آنها دفترهای بزرگی که در محضر خانه‌ها بیشتر یافت می‌شود. تعداد زیادی روی میز ریخته بود.

مخم پایان تعریف می‌کرد که من از جوانی عادت داشتم که خاطرات روزانه را می‌نوشت و چون فرد بسیار منظمی بود، دقت زیادی در ایراد سخن و وقت‌شناسی داشت و برای پدرم جالب بود و پدرم با تعجب گفت که اگر کسی روزی این دفتر را بخواند، به عادات و رفتار مردم ورود می‌کند.

گلنوش خالقی در مستند «مرز پرگهر» می‌گوید که مخم پایان بود که باعث شد زنده‌یاد روح‌الله خالقی، در آواز دشتی، سرود حماسی ای ایران را بسازد. تأثیر گل گلاب را هم در سرایش ایران سرزمین زرخیز یمنی شریف، شاهد هستیم. آیا پدر شما با جناب گل گلاب رفت و آمد داشت؟

بقیه در صفحه ۲

بود که من با سن کمی که داشتم، که شاید ۵-۴ ساله بودم، به این خانه رفت و آمد می‌کردم و اردشیر، پسر آقای مخم پایان با من همبازی بود و



برای اولین بار یک ماشین آهنی در آنجای دیدم که می‌توانستیم با پدال آن را به حرکت درآوریم.

### محله آنها کجای تهران بود؟

به نظر من در خیابان گرگان، پایین عشرت‌آباد، نزدیک بهارستان بود؛ که گویا منزل ابوالحسن خان صبا هم آنجا بود و این یکی از وجوه آشنایی ما بود. وجه دیگر آشنایی این بود که پدر من با آقای مخم پایان از طریق همکاری موسیقی آشنا بود. مخم پایان نت‌هایی برای سرودهای مختلف نوشته بود که دفترچه سرود آن موجود است و از کسانی که می‌توانستند روی موسیقی او تصنیف بسازند، دعوت می‌کرد و از جمله کسانی که تصنیف‌های

لطف‌الله مخم پایان، استاد جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد و یکی از شاگردان ابوالحسن صبا، به غیر از مهارت در ویولون، در مبادی آداب بودن و اخلاق مبرز بود. برگی از خاطرات هومن یمنی شریف از او و عباس یمنی شریف، بهانه‌ای است برای تقدیر از نسلی که ذوالقنون بودند و ژرف‌نگر و کوشا.

\*\*\*

شأن موسیقایی عباس یمنی شریف، در مستند یمنی شریف کمتر گفته شده است. مخصوصاً از حشر و نشر ایشان با جناب مخم پایان کمتر چیزی به عنوان سند تاریخ شفاهی موجود است.

بر این اساس در ابتدای این گفتگو از این تأثیر متقابل مخم پایان و حسین گل گلاب و یمنی شریف برای ما بگوئید.

من خاطراتم از مخم پایان، از دو جنبه است: یکی آشنایی مادر بزرگم با همسر آقای مخم پایان. چیزی که دلیل این آشنایی بود، این قضیه بود که جناب مخم پایان، نوازنده ماهر و چیره دست ویولون بود و موسیقی علمی را می‌دانست، چون مدت‌ها شاگرد مرحوم صبا بود. مرحوم صبا از دوستان پدر بزرگ مادری من بود و در محفل‌های جمع می‌شدند و با پدر بزرگ من، محمود مقومی تهرانی، دوستی داشتند.

این آشنایی باعث شده بود که با شاگردهای ایشان نیز آشنایی داشته باشند و رفت و آمد کنند و خانم مخم پایان با مادر بزرگ من آشنایی پیدا کند.

در یک دوره‌ای از زندگی، مادر بزرگم در منزل مخم پایان زندگی می‌کرد و این باعث شده

کتاب سیاهی

که اسکار به

سفیدها داد

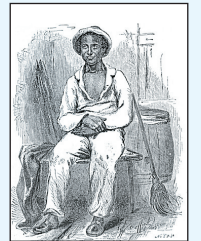


محمدرضا حیدرزاده

لکه ننگ و ظالمانه نژادپرستی در آمریکای قرن نوزدهم که سیاهپوستان را وسیله‌ای برای اجابت امیال و حشیشانه سفیدپوستان ساخته بود، در قالب داستانی با عنوان «دوازده سال بردگی» توانست روی پرده نقره‌ای سینما در اسکار ۲۰۱۶ درخشیده و جوایز بسیاری نصیب سازندگان سفید پوست آن کند.

در حالی که نویسنده داستان، سیاهپوستی که وحشت زده دست به قلم برده و رنجنامه زندگی‌اش را در قالب داستان عبرت‌انگیزی برای آیندگان نوشته بود، هدفش نه جایزه اسکار، که بیدار ساختن وجدان بشریت بود تا نژادپرستی را محکوم سازد.

سالومون نورثاپ، سیاهپوستی که در سال ۱۸۰۸ متولد شد و در محله «سارتوگا اسپرینگر» نیویورک زندگی می‌کرد، او دارای همسر و دو فرزند بود، به زیبایی ویولون می‌نواخت و ترنم فقر سیاهان را در کوچه‌ها و محلات نیویورک در گوش رهگذران زمزمه می‌کرد که پاداش آن یک سکه بود تا هزینه



زندگی‌اش را تأمین کند.

در سال ۱۸۴۱ یک شب، هنگامی که خسته و کوفته از کار و نوازندگی خیابانی به خانه باز می‌گشت، چند جوان ولگرد و مست راهش را بسته و از سالومون می‌خواهند تا آهنگی بزند که بیشتر شاد شوند. سالومون هم شروع به نواختن می‌کند که باعث لذت ولگردان می‌شود، آنها سرمست از خوشی خود، سالومون را وادار به خوردن ماده‌ای می‌کنند که نتیجه‌اش از هوش رفتن سالومون می‌شود.

ولگردها سپس دست و پای سالومون را بسته و او را به یک گاراژ متروکه می‌برند تا نتواند پس از به هوش آمدنش پا به فرار بگذارد. روز بعد هم سالومون را به تاجر برده معروفی می‌فروشند تا پولی برای تداوم او باشگری خود داشته باشند. غروب همان روز، سالومون وقتی به هوش می‌آید، خود را درون یک کشتی می‌بیند که پاهایش بازنجیر به تعدادی سیاهپوست متصل است. این کشتی به سمت جنوب و به سوی لویزیانا می‌رفت. در مقصد که یک مزرعه پنبه است، سالومون و بقیه سیاهان به تاجر معروف پنبه فروخته می‌شوند و از همان لحظه سالومون برده بودن را با همه وجودش حس می‌کند. او در آن روز ۳۳ ساله بود، سیاهپوستی خوش‌هیكل که می‌توانست ساعت‌ها در آفتاب سوزان بر روی بوته‌های پنبه خم شده و گونی‌گونی طلای سفید برای اربابش بچیند.

بقیه در صفحه ۲

گذری بر یک نمایشگاه عکس در خانه هنرمندان

## خانه آرام برای زندگی

محمود مشرقی



«خانه آرام برای زندگی» عنوان نمایشگاهی بود که از ۲۳ تا ۳۰ بهمن در خانه هنرمندان تهران برگزار شد. نمایشگاهی از عکس، ظروف شیشه‌ای، قماش و مبلان فنلاندی. وقتی این سه عنوان غریب را می‌شنیدی، دشوار می‌شد میان آن رابطه‌ای برقرار کرد. اما وقتی نمایشگاه را می‌دید، آن غرابت از ذهنت دور می‌شد و درمی‌یافتی که همه اینها که در نمایشگاه چیده شده تا حدودی و به نوعی با عنوان خانه آرام برای زندگی ربط دارد. ربط وثیق هم دارد. در اینجا دریافت‌هایم را در این باره نقل می‌کنم:

۱- عکس‌ها از محیط‌های شهری فنلاند است. فنلاند جایی چندان نزدیک به ذهنیت ایرانی نیست. اما عکس‌ها منظره‌ای را نمایش می‌دهد، خلاف این ذهنیت دور. معماری اماکن شهری فنلاند، از مدرن تا قدیم، قرابت‌های زیادی با بیننده ایرانی دارد. راستی چه اتفاقی افتاده که معماری شمال اروپا با زمینه ذهنی بیننده ایرانی، این اندازه تقریب و تقارن دارد؟ باید عکس‌ها را دید تا پاسخ این پرسش را دریافت.

بقیه در صفحه ۵





مهدی رahnajad

در حاشیه کسب جایزه اسکار فیلم «دوازده سال بردگی»

## کتاب سپاهی که اسکار به سفیدها داد

هشتاد و ششمین مراسم اسکار که یکشنبه گذشته در هالیوود برگزار شد، با انتخاب فیلم «دوازده سال بردگی» (۱۲ سال یک برده) به عنوان بهترین فیلم سال موجب شد تا فروش کتابی که این فیلم با اقتباس از آن ساخته شده بود، بالا برود. این فیلم، داستانی درباره روح شجاع انسانیت، درباره وجدان، داستان مردی که عاشق خانواده اش است و در جستجوی راهی برای دوستی و صلح در دنیای دیوانه وار است تا در آن درباره انسانیت صحبت کند.

در مراسم اسکار این فیلم موفق شد تا جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی را نیز به خود اختصاص بدهد و به این ترتیب دو جایزه مهم را از آن خود کند. با محاسبه سومین جایزه‌ای که نصیب این فیلم شده، یعنی جایزه بهترین بازیگر زن مکمل، اشتیاق مردم به این فیلم بیش از پیش شده است و طبعاً به سراغ منبع اصلی که موجب ساخته شدن آن شده است، خواهند رفت.

جان رایدلی نویسنده فیلمنامه این فیلم که موفق شد تا جایزه فیلمنامه اقتباسی اسکار را کسب کند، گفت علاوه بر کتاب، اطلاعات زیادی را برای ملموس شدن اطلاعاتش از روزنامه‌های آن زمان کسب کرده است. موفقیت این فیلم پیش از اهدای مراسم اسکار نیز موجب شده بود تا روزنامه تلگراف بریتانیا با انتشار نسخه‌ای از این کتاب آن را به صورت رایگان همراه با روزنامه صبح دوازده ژانویه ۲۰۱۴ در دسترس مخاطبان قرار دهد.

فرو بست. اما ۱۵۰ سال پس از مرگش و ۱۶۰ سال پس از انتشار کتابش، سینمای هالیوود با ساختن فیلمی بر اساس کتاب او، دوباره نام سالومون را زنده کرد و کسب جایزه اسکار، دلیلی بر حقانیت سهم سیاهان از زندگی آزاد در جهان شد. فیلمی که نشان می‌دهد مردی که عاشق آزادی بود در جستجوی راهی برای دوستی و صلح و



مبارزه علیه نژاد پرستی، چگونه دوازده سال سختی را تحمل کرد تا به هدفش برسد.

سالومون با کتابش توانست ۴۰۰ سال تاریخ برده داری آمریکا را به چالش بکشد و سندی مکتوب از رفتار وحشیانه سفیدپوستان علیه سیاهان به یادگار بگذارد.

تا سال قبل کتاب «دوازده سال بردگی» در رده سیصد و بیست و ششم سایت آمازون که بزرگترین سایت فروش اینترنتی کتاب در جهان است قرار داشت، اما در یک هفته گذشته در میان ۱۰ کتاب پرفروش رده اول این سایت قرار گرفت.

خانواده نگرانش نامه می‌نویسد و با پولی که تهیه می‌کند به سراغ ارباب «ادوین اپس» شخصیتی خشک و مذهبی که به شدت غیر قابل پیش بینی است می‌رود، او دقیقاً نمونه‌ای از برده داران خشن قرن نوزدهم است، فردی بسیار خشن و دور از فرهنگ که احتمالاً به خاطر انجام اشتباه مناسب مذهبی در کودکی، اکنون به دیوی تبدیل شده که برده هایش را به زور به انجام مناسب مذهبی وادار می‌کند. او سرمایه داری است که در یک دستش شلاق و در دست دیگرش انجیل است.

سالومون از ارباب تقاضا می‌کند حکم آزادی او را بدهد، ارباب می‌گوید پولی که بابت خریدش داده است بدهد آزاد می‌شود. سالومون پول را می‌دهد و با کشتی به شهر خودش باز می‌گردد. سالومون ماه‌ها سرگرم این فکر بود که چگونه بتواند پیام تمام بردگان را به گوش وجدان‌های بیدار جامعه برساند که یک سیاه هم انسان است و حق آزادی و زندگی دارد. او با کمک خانواده شروع به نوشتن خاطرات دوران بردگی خود می‌کند و در سال ۱۸۵۳ کتاب «دوازده سال برای برده» را منتشر می‌سازد.

این کتاب با استقبال خوبی مواجه می‌شود و بیش از ۳۰ هزار نسخه فروش می‌کند که البته بیشتر خریداران آن، سیاهپوستان هستند.

سالومون که در دوران بردگی سختی‌ها و شکنجه‌های فراوانی تحمل کرده بود در سال ۱۸۶۳ در حالی که فقط ۵۵ سال داشت چشم از جهان



بقیه از صفحه اول

هفته بعد سالومون اقدام به فرار می‌کند، اما سرنوشت او به آزادی از بردگی بی‌توجه بوده و پس از چند ساعت دویدن در میان بوته زارها توسط نگهبان‌های مجهز به سگ‌های وحشی دستگیر می‌شود و پس از شکنجه‌های مداوم که بیشتر برای ترساندن بقیه برده‌ها انجام می‌شود دوباره به مزرعه برگشته تا یاد بگیرد که سیاه، برده است و برده حق فرار ندارد.

سالومون مدت دوازده سال پیوغ بردگی را با همه سختی‌هایش به گردن داشت، در این مدت در کنار کار طاقت فرسای مزرعه با نواختن ویولون، صمیمیت خاصی با همه حتی نگهبان‌ها پیدا می‌کند، دور از چشم ارباب کینه توزش برای



### «دو برادر» هم خواندن دارد

همین چند روز پیش انتشارات مؤسسه خودمان یعنی اطلاعات، کتاب خوبی منتشر کرده که خواندن دارد. این کتاب «دو برادر» نام دارد و حاوی خاطراتی



امیر حسین آزاد

از خواهرزاده جلال و شمس آل احمد درباره این دو شخصیت برجسته فرهنگی است.

این کتاب خدا و کیلی

جالب است و می‌ارزد که آدم آن را بخرد؛ علی‌الخصوص که تصویر خوبی هم از خانم سیمین دانشور دارد، باید علاقه‌مندان فوری اقدام کنند به خریدنش، چون عنقریب است که برخی از آدم‌های پر حرارت فرهنگی، سر و صدای پندازند و بگویند که ای داد و ای هوار که مسلمانان بر باد رفت! آن وقت است که کتاب نایاب خواهد شد. البته این نایابی با نایابی بعضی کتب منتشره توسط برخی تمامیت خواهان تفاوت دارد. چون کتاب‌های او شان سه چاپ سه چاپ خریداری می‌شود و به جاهای خاص می‌رود؛ از جمله به کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج. ما خودمان با همین دو چشم

خودمان دیده‌ایم... (خواننده این مطلب عاقل باشد با این اشاره ما تا ته خط رفته است!)

### دست مشوقان را می‌فشاریم!

آقا، ممنونیم از تشویقات شما... خدا و کیلی ما که قادر به جبران محبت‌های شما نیستیم، از بس لطف دارید. همگی از متصدی این ضمیمه ادب و هنر ممنونیم (همه با هم دستش را می‌بوسیم - جانم از این پاچه خاری تو پ!) که اجازه چاپ این مطلب ما را می‌دهد که شما تشکرش را از ما بکنید. خلاصه که به این ترتیب از همه عزیزانی که ما را به خاطر نوشتن این سلسله مطالب تشویق می‌کنند، ممنونیم. از جمله دوستانی که در اماکن زیر اظهار محبت فرموده‌اند: داخل مترو، توی پرواز شیراز به تهران، دم آب سرد کن مؤسسه، از مجله کیهان بچه‌ها، موتور ساز خیابان هاشمی، آقا میثم، برادر قرائی، نمازگزاران مسجد محله، سنگکی سیدون و... ایضا اهل منزل!

**خداقوت به بچه‌های مسجد جوادالائمه**  
مراسم پایانی سیزدهمین دوره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی پور هم شامگاه ۱۲ اسفند در مسجد جوادالائمه خیابان ساسی متری جی تهران برگزار شد و برگزیدگان معرفی شدند. لذا جادارد ما خداقوت جانانه‌ای به بر و بیج این مسجد بگویم. این نکته‌ای که می‌خواهیم بگویم، ربطی به این دولت و دولت‌های قبلی ندارد و آن هم این که خدا و کیلی این جشنواره حبیب غنی پور، یک کار بسیجی و مخلصانه است که هزار برابر - بلکه هم بیشتر - جشنواره‌های دولتی خاصیت دارد. مراسم امسال مثل هر سال عالی بود. فقط افسوس و صد افسوس که امیرخان فردی رانداشت. روحش شاد. امیدواریم بذر چنین جشنواره‌هایی، بیش از پیش کاشته شود در سرزمین فرهنگی کشورمان. مخلص همه بر و بیج مسجد هستیم؛ حسن آقای سلطان محمدی خودمان هم ایضا!

## موسیقی و سراینده



### «من یار مهربانم»

بقیه از صفحه اول  
- در مورد مفخم پایان باید بگویم که چون استاد دانشگاه بود، بسیار مورد احترام پدرم بود.

البته مفخم پایان در آن زمان، یکی از استادان موسیقی بود. او دنباله کار صبا را می‌گرفت و برای علمی کردن موسیقی ایران بسیار کوشا بود. پدرم با آقای گل گلاب هم آشنایی داشت به واسطه کار مشترکی که با هم داشتند که سرودسازی بود و یادم می‌آید که در مؤسسه‌ای از اداره فرهنگ وقت برای تألیف کتب درسی همکار بودند.

پدرم برایم نقل می‌کرد که آقای

گل گلاب سرود معروف ای ایران مرز پرگهر را با تأثر از برخورد ناشایست یکی از سربازان متفقین با یکی از درجه‌داران ارتش ایران سروده است.

در همان زمان مرحوم نیما یوشیج هم همکار این دو نفر بود و پدرم تعریفی که از نیما می‌کرد این بود که آرام و بی‌ادعا و ساکت بود. پدرم می‌گفت بعدها ما متوجه شدیم که نیما یوشیج چقدر از لحاظ شعر، تأثیرگذاری داشته است.

\* **تبحر عباس یمنی شریف در موسیقی چقدر بود؟ یاد می‌آید که گفته بودید مادر ایشان تار می‌نواخت؟**

- مادر بزرگ من در خانواده‌ای بود که تحصیلاتی بیشتر از تحصیلات

متعارف داشت. پدر مادر بزرگ من مرحوم خواجوی، دستیار یک پزشک فرانسوی بود.

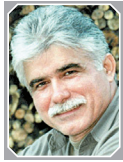
او به زبان آشنا بود و علاقه‌ای به موسیقی داشت و مادر بزرگم کلاس تار می‌رفت و این آشنایی به دستگاه‌های ایرانی را پدرم به ارث برده بود. شاید صدای خوبی نداشت، اما گوشه‌های آواز ایرانی را به درستی اجرا می‌کرد. گاهی برای من تصانیفی می‌خواند که برای من غریبه بود.

مادر بزرگ من دست‌نوشته‌هایی دارد که در آن تصانیفی مکتوب است و نحوه تدریس تار را یادداشت کرده بود و من حتی تار آن را نیز دارم که البته باید تعمیر شود.

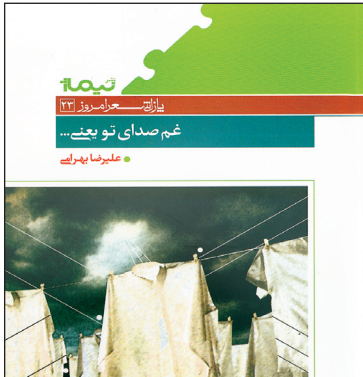


معرفی مجموعه غزل «غم صدای تو یعنی...» علیرضا بهرامی / نشر نیمائز / ۹۲

## در ازدحام کوچه‌های تنگ تهران



«امیر اکسیر»



دوستان عزیزی که در پایان کتاب به مدح و ستایش شعرها پرداخته‌اند، اغلب شاعر و منتقدند و به پاس محبت‌های علیرضا قلمی چرخانده‌اند و رقمی نگاشته‌اند و این درس عبرتی است برای شاعران جوان سال ما که بدانند شاعر باید از شعرهایش بهتر و محبوب‌تر باشد تا اگر شعرش نکات ضعفی داشت، اهل دل آن را به مهربانی و ادب شاعر ببخشند و به حمایتش برخیزند. خلاصه نمی‌دانم این عزیزان مهربان نسخه اصلی شعرها را از کجا گیر آورده‌اند که مطالبشان را در چاپ اول کتاب چپانده‌اند!

غزل‌های علیرضا بهرامی مثل خودش فروتن و صمیمی و دلنشین هستند. اگر ردیف و قافیه‌ای تکراری است، نظیرسازی نیست. استقلال زبانی شاعر، هویت خاصی به آن بخشیده است. استاد علیرضا طبایی در مورد غزل بهرامی نوشته است: «آنچه غزل‌های بهرامی را خواندنی تر می‌کند، نگاه ویژه او در این غزل‌ها به هستی انسان امروز است و دغدغه‌ها و حساسیت‌های او نسبت به سرنوشت انسانی است که در این عصر ناگزیر از زیست بر روی قطعه‌ای از خاک است نگاهی که بیانگر درک مشترک او از رنجی است که بر آدمی می‌رود...»

**به غزلی از این دفتر نقشی تازه کنیم، با یاد**  
**از شیون قومی عزیز:**  
تا با منی و تابرایت می‌نویسم  
تا آخر دنیا برایت می‌نویسم  
در ازدحام کوچه‌های تنگ تهران  
احوال دریا را برایت می‌نویسم

شعر امروز ایران در نبود نشریات ادبی این شانس را داشته که توسط سایت‌ها و صفحات اجتماعی، خود را در دیدرس جماعت شعرخوان قرار دهد و خودش را در بازار مکاره شعر معرفی کند. مهمترین عامل این بازار گرمی، وجود چندین انتشاراتی جوان و پویا در تهران و مراکز استان‌هاست که توانسته‌اند به شعر جوان مارونقی خاص بدهند و شاعران جوان را معرفی نمایند. یکی از این انتشاراتی‌های نوپا نشر نیمائز است که زیر عنوان پازل شعر امروز می‌رود تا بعد از فصل پنجم و ایلیا و نوید و بوتیمار... از ناشران شعر جوان ما باشد و شاعران پربار این مرز و بوم را به ما معرفی نماید. وجود شاعران برتر با کارشناسان کاربلد در این انتشاراتی‌ها عامل اصلی رونق این پنگاه‌های فرهنگی است که بایستی از سوری کارگزاران کتاب‌های شعر مورد حمایت و تشویق قرار گیرند تا به مؤسسات سری دوزی صنف خیاطان نپیوندند و کتاب شعر فله‌ای هر چند به سرمایه شاعر جوان صادر نکنند.

بسیست و سومین مجموعه شعر از پازل شعر امروز نشر نیمائز از «علیرضا بهرامی» است با نام: «غم صدایی تو یعنی...» که همزمان با انتشار شعرها، نقد و نظر اهل نظر را نیز در خود جای داده است و خیال همه راحت که دیگر نقدی بر آن نوشته نمی‌شود!

غم صدای تو یعنی... مجموعه غزل است و غزل‌های ساده و زلال شاعر در آن جریان دارد.

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



## رازِ راز

«ا گفتگو از: کریم فیضی»

### دیالکتیک

\* فیلسوف برای اثبات واجب استدلال می‌کند یعنی می‌خواهد خدا را با استدلال اثبات کند و به همین جهت دچار حیرت می‌شود. در استدلال حیرت وجود دارد و این کاملاً طبیعی است. به همین جهت، اعتراف می‌کنم که اشکال‌های شبستری به فلسفه وارد است و شما هم درست می‌گویید که مقصود او نقد فیلسوفان است.

\* مؤید این معنا، بیت بعدی است که از محبوس بودن فیلسوفان در دور و تسلسل حرف می‌زند:

گهی از دور دارد سیر معکوس

گهی اندر تسلسل گشت محبوس

\* دور و تسلسل، ابزار کار فکر منطقی و فلسفی است. بله، در فلسفه دور و تسلسل وجود دارد. دور این است که این ممکن وابسته به ممکن باشد و این سیر تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد که سراز تسلسل درمی‌آورد. اگر موضوع را در جایی متوقف کنیم، دور خواهد شد و اگر همچنان ادامه بدهیم، اسیر تسلسل خواهیم شد.

\* هم دور باطل است، هم تسلسل باطل است و حاصل منطقی ندارد.

\* درست است. البته من این اشکال شبستری را بیشتر متوجه متکلمین می‌بینم تا فلاسفه. فیلسوفی مثل ابن‌سینا از واجب به واجب می‌رسد، نه از ممکن به واجب. در هر حال، کسی که از امکان به واجب برسد، دچار حیرت می‌شود و به دام دور و تسلسل می‌افتد. با توجه به همین نکته است که حافظ هم به اهل فلسفه طعنه می‌زند و می‌گوید: دور چون بر عاشقان افتد، تسلسل بایدش! نکته زیبایی که در بیان شیخ محمود شبستری وجود دارد، این است که دور را سیر معکوس معنی می‌کند، سیر غیر معکوس یا مستقیم را تسلسل می‌داند که درست و بسیار هم زیباست. کسی که در تسلسل گرفتار شود، در زندان و زنجیر عجیبی گرفتار است و از آن خلاصی ندارد.

\* بیت بعدی، وصف همین زندان و همین زنجیر است:

چون عقلش کرد در هستی توغل

فرو پیچید پایش در تسلسل

\* درست است. این همان توصیف گرفتار شدن در غل و زنجیر دور و تسلسل است که معنائش کردیم.

\* در بیت بعدی، شاهد ورود هوشیارانه شیخ محمود شبستری به طرز تفکر اصیل عرفانی هستیم:

ظهور جمله اشیاء به ضدّ است

ولی حق را نه مانند و نه ندّ است

\* به نظر من، شبستری در حال ردّ و انکار طریقه متکلمین است. من قبلاً به این موضوع اشاره کردم و گفتم که: اثبات واجب از طریق ممکن، کار اهل کلام است، چون فیلسوفان بزرگی مانند ابن‌سینا با براهینی مانند برهان صدیقین راه دور و تسلسل را کنار گذاشتند.

راه دیگر برای اثبات واجب - که برخی از حکمای بزرگ در وادی آن گام زده‌اند - اثبات به ضدّ است که قاعده‌اش هم بسیار معروف است: لایعرف الاشیاء الا باضدادها.

\* امروزی‌ها از این شیوه و این قاعده‌ها با عنوان «دیالکتیک» یاد می‌کنند.

\* دیالکتیک غیر از راه دور و تسلسل است. البته من دیالکتیک را امر تازه‌ای نمی‌دانم و ریشه آن را سقراطی می‌دانم.

ادامه دارد

تهران سیاه است و خیابان‌ها بیابان  
از سمت آبی‌ها برایت می‌نویسم  
گاهی غزل‌ها را به جویی می‌سپارم  
بر ساحل رؤیا برایت می‌نویسم  
تا عصر رویایی لنگرگاه آنجا  
از شهر بی‌دریا برایت می‌نویسم  
شبه‌ها به وزن شرشر باران بندر  
از غربت اینجا برایت می‌نویسم  
آتش اگر فرصت دهد در این عطش ناک  
از شبنمی حتا برایت می‌نویسم  
تنهاترین فانوس هم انگار خواب است  
من هم چنان اما برایت می‌نویسم

برود» و شاید به همین راضی می‌شده است که از حال و احوال آن زن یهودی در آن موقع شب باخبر شود و برود دنبال کارش! به هر حال این ترانه از بدو تولدش تا امروز به عنوان یکی از عاشقانه‌ترین ترانه‌های یکصد سال اخیر بر سر زبان‌ها بوده است و خوانندگان بسیاری با آجرهای متفاوت از آن، همواره تلاش کرده‌اند تا چارچوب اصلی ترانه و ملودی آن را حفظ کنند و البته دیگر آثار مرحوم علی‌اکبر شیدا از چنین خمیرمایه مردمی و زبان ساده نزدیک به فولکلور تهرانی - فارسی برخوردار است که نمونه آن «کیه کیه در می‌زنه - من دلم می‌شنگه» که برای نخستین بار شنگیدن دل را در شعر و ترانه آورده است\*. اما نکته جالب این اثر شیدا، آمیختن زبان فاخر فارسی و آوردن یک بند از مولانا در این اثر عامیانه است؛ آنجا که می‌خواند:

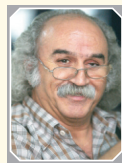
کی باشد و کی باشد و کی باشد و کی؟  
می‌باشد و می‌باشد و می‌باشد و می  
من باشم و من باشم و من باشم و من  
وی باشد و وی باشد و وی باشد و وی  
که از شاهکارهای مولانا در ترکیب‌سازی از یک مضمون زیبا و عاشقانه، آنهم فقط با استفاده از چهار واژه «کی، می، من، وی» است که در خلال این ترانه از آن بهره‌گیری کرده است. و در بخش دیگری از این ترانه که به نظر می‌آید بعدها به آن اضافه شده است، بخشی از غزل «ماه غلام رخ زیبای توست» اثر فروغی بسطامی غزل‌سرای دوره قاجار است که در ادامه چنین است:

سرو کمر بسته بالای توست  
تن همه چشم است به صحن چمن  
نرگس شهلا به تماشای توست  
مجمع دل‌های پراکنده چیست؟  
چین سر زلف چلیپای توست

البته درباره دیگر آثار مرحوم علی‌اکبر شیدا بحث‌ها و صحبت‌هایی در آینده در همین ستون ارائه خواهم کرد، ولی در نظر دارم که در شماره آینده و در آستانه سال نو چند ترانه قدیمی بهاری از جمله «گل اومد، بهار اومد» مرحوم عباس شاپوری را برایتان شرح دهم که در ۶۰-۵۰ سال پیش ساخته و خوانده شده است.

\* در بعضی از قرائت‌ها «من دلم می‌لرزه» آمده است

واکاو ترانه‌های قدیمی - ۱۴



اماد در همان روزگار که شیدا با دوستان نوازنده خود، گروهی را تشکیل داده بود که راهشان جدا از مطربان درباری بود، ناگهان دل‌باخته یک رقصنده یهودی به نام مرضیه شد که در اثر این عشق کارش به جنون هم کشید و عده‌ای گفته‌اند که تصنیف معروف مرضیه که یادآور آن عشق پرشور است، شاید یکی از سروده‌های او باشد که در آن سروده است: «ز مه و شان ملک ری، دل من از تو راضیه». گفته‌اند که این ترانه در زمانی سروده شده است که علی‌اکبر شیدا در تهران اقامت داشته و از نظر سبک و فرم ساخت هم این ترانه به تصنیف‌های رایج آن روزگار تهران نزدیک است و مرحوم عارف قزوینی و نیز مرحوم روح‌الله خالقی که به نظر می‌رسد هر دو آشنایی اندکی با شخصیت و آثار شیدا داشته‌اند؛ به وجود چنین عشق پرشور و انگیزه‌های عاشقانه‌اش برای خلق چنین اثری اذعان داشته‌اند و در یکی از اسناد خاطرات دوران قاجار هم آمده است که: «... به هوش که مباد این پسرک هم شیدا شود و سه‌تار به دست برود زیر طاقی ایوان خانه رقصه‌ای و شیدایی کند.» و شاید اشاره نویسنده این خاطره قجری به حضورهای شبانه علی‌اکبر شیدا در زیر طاقی خانه آن رقصنده یهودی و نواختن دوتار و خواندن ترانه «امشب شب مهتاب» باشد که یادآور صحنه‌هایی از فیلم معروف «ویلن زن روی بام» اثر نوریک فردریک جوسپنن است. فیلمی موزیکال، محصول ۱۹۷۱ که سه جایزه اسکار را به خود اختصاص داد. گرچه درباره این شیدایی‌های شیدا هم هیچ سند و مدرکی در دست نیست، اما اگر یک کلاغ از آن چهل کلاغی را که در این باره گفته‌اند جدی بگیریم، نتیجه همین می‌شود که شیدا نیز این ترانه را از سرریک نوع شیدایی مفرط و عشق به زنی سروده است که گویا او را تحویل نمی‌گرفته است و به او اعتنایی نداشته است و شاید از این روست که در ترانه‌اش به این و آن متوسل می‌شود و می‌گوید: «گویید فلانی اومده... اون یار جانی اومده - آمده حالتو - احوالتو بپرسد

## شب مهتاب... (۲)

همانطور که در شماره قبل همین پاورقی در روز سه‌شنبه ۱۳ اسفند برایتان توضیح دادم؛ نخستین ضبط آزمایشی ترانه «امشب شب مهتاب» در محوطه روباز کاخ گلستان انجام شد و سپس از اعضای ارکستر برای ضبط قطعی این ترانه، به یک استودیوی ضبط صفحه و گرامافون که آن روزگار در حوالی لاله‌زار بود دعوت به عمل آمد.

در آن روزگار نیز بیشتر مردم با سازنده اصلی آن یعنی مرحوم علی‌اکبر شیدا آشنا نبودند و خاطره خواندن این ترانه را با صدا و اجرای زنده «آفاق خانم» به یاد می‌آوردند و این در حالی بود که بسیاری از مردم اصفهان در آن روزگار که علی‌اکبر شیدا را درک کرده بودند و با او مؤانست هم داشتند، ترانه‌های او را می‌شناختند و تلاش هم می‌کردند که هر نسبت ناروایی را که تهرانی‌ها به شیدا می‌دهند، برطرف سازند.

اما این که ترانه «امشب، شب مهتاب» چگونه و چرا و برای چه کسی ساخته شد؛ خود ماجرای است خواندنی که برخی از آنها براساس حدس و گمان‌های بعضی از دست‌اندرکاران تاریخ‌نویسی در حوزه موسیقی پرداخته شده است. با این حال بسیاری از کسانی که نکاتی را در این زمینه از آن روزگار یادداشت کرده‌اند، بر این قول اتفاق نظر دارند که ماجرای «علی‌اکبر شیدا» در این ترانه، چیزی شبیه ماجرای شیخ صنعان است و می‌گویند که همزمان با سالهای فعالیت شیدا در حوزه موسیقی و ترانه، زندگی حرفه‌ای موسیقی و نوازندگان در دست گروه‌های نوازنده یهودی در ایران بود و آنها بودند که بیشتر مجالس طرب و رقص و آواز را برای درباریان و اشراف و طبقات بالای جامعه برپا می‌داشتند، که البته مرحوم علی‌اکبر شیدا که در کسوت درویشی زندگی می‌کرد، تحت تأثیر یا در ارتباط با این گروه‌های مطرب نبود؛ گروه‌هایی که درباریان به آنها به شکل توهین آمیزی لقب «عمله طرب» می‌دادند.





▲ محمد رضا مختاری

# موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث

خدا باز داشته و او را به سمت گناه و معصیت سوق می دهد، حرام است و برعکس، آن نوع موسیقی که انسان را به تعالی وادارد، نه تنها حرام نیست بلکه ابزاری مناسب برای ترویج شعائر مذهبی و اعتقادی محسوب شده و ایرادی بر آن وارد نیست. (این مسأله در دوران انقلاب و سال های دفاع مقدس کاملاً مشهود است.)

ایسن هنر شریف را مقام شامخی است که می فرماید:



مقام موسیقی آنگه عیان شد  
که یک پیغامبر آواز خوان شد  
حال داوود نبی که با آن صوت دلکش، پیروانش  
را به یکتاپرستی و یاد او دعوت می کرد؛ چطور  
می توانست هنر و آوای زیبایش حرام باشد؟! اسلام  
دین انصاف و منطقی است؛ باشد که از اذاندیشانه تر  
به قضاوت نشست.

## منابع و مآخذ:

- ۱- موسیقی و تفریح در اسلام، شهید آیت الله بهشتی، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، چاپ اول ۱۳۸۴
- ۲- موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث، با نظارت دکتر محمد بیستونی و گروه تحقیق مهسان و مریم حسین مردی، اشرف سرشار، انتشارات بیان جوان، چاپ دوم ۱۳۸۶

لهو و لغو نیز سخنی به میان نیامده و بیشتر بر پرهیز و ممانعت از آنها تأکید شده است. حتی از غنا (یا همان چهچهه یعنی کشیدن و چرخاندن صدا در حلق به گونه ای که مناسب مجالس لهو و لعب باشد) و حرمت آن نیز نام و اشاره ای در قرآن کریم، مطلبی به میان نیامده است.

مطالبی که عنوان شد، در خصوص آیات قرآن کریم بود. ولی در خصوص روایات، احادیث بسیاری منقول است که کم و بیش بر حرمت غنا (خوانندگی)

قبل از ورود به مبحث اصلی، ابتدا اندکی به فضای حاکم بر جامعه عرب در قبل از ظهور اسلام خواهیم پرداخت. اساساً عرب جاهلیت، عاری از هنرهای زیبا بوده؛ البته به جز شعر که اعراب در این خصوص دارای طبع و قریحه ای ممتاز بودند. غیر آن، آنها از هنرهای دیگری بهره به شمار می آمدند.

اگرچه در شعر هم بیشتر راه ابتذال و هزل را پیش گرفته و محتوای اشعارشان نیز بیشتر از مضامین متعالی بی بهره بود. موسیقی آنها هم در اساس چند ساز و آلات ابتدایی همچون مزهر، نی انبان، تیمپانی ساده و... را در بر می گرفته که بیشتر در مجالس لهو و لعب، میگساری و زنبارگی به کار می رفته است. پس در چنین جامعه ای، پس از ظهور اسلام می بایست برخورد سختگیرانه تری در این خصوص اعمال می شد و الا با تحقیق در تاریخ ادیان دیگر و سایر پیامبران، ممانعتی از موسیقی - تأبدین حد - به میان نیامده است.

آنچه مسلم است، در قرآن کریم هیچ نصّ صریحی از موسیقی و بیان حرمت آن دیده نشده و فقط از دو کلمه «لهو» (به معنای سرگرمی بی که انسان را از تعالی و معنویت دور کند) و «لغو» (به معنای بیهوده و بیهودگی) در چند جای قرآن نام برده شده است. به طور مثال در آیه یازدهم سوره مبارکه جمعه می خوانیم: «وَ إِذَا وَاجِلُكُمْ فَتْرَةً لِّأَهْلِ الْبُيُوتِ لِيُتْلَىٰ عَلَیْكُمْ آيَاتُ الْكِتَابِ وَلِيُذَكِّرَ الْبَاقِيَ» اشاره به آن دسته از مسلمانان سست ایمانی است که خطبه رسول الله را در نماز جمعه رها کرده و به تماشای بساط طرب کاروان های تجارتنی نشست و به تفریح و سرگرمی و تجارت می پرداختند.

در این آیه ضمن انتقاد از این افراد می افزاید: «قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْهَوَىٰ وَ مِنَ التَّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». شایان ذکر است که در آن دوران گویا کاروان های تجارتنی معمولاً وقتی از دروازه شهر وارد شهر می شدند، با نواختن ساز و آلات موسیقی، مردم را از ورود خود آگاه می ساختند. همچنین در خصوص کلمه لغو هم در آیه

سوم سوره مومنون می خوانیم: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» [آنها (مومنان) کسانانی هستند که از لغو (بیهوده) اعراض می کنند] یا در آیه هفتاد و دوم سوره فرقان در صفات بندگان پاک گفته شده است: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» [آنها (مومنان) کسانانی هستند که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند) و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند].

با غور و تأمل در آیات شریفه فوق می بینیم که هیچ جای حرمت موسیقی و حتی حرام بودن

و همچنین حرام بودن آلات طرب و آلات لهو (نوازندگی) دلالت دارد. اما آنچه مسلم است، در هیچ کدام از روایات و احادیث مذکور، حرام بودن موسیقی به طور کلی مطرح نگشته است، بلکه آن نوع از موسیقی که در مجالس عیاشی، هوسرانی، هرزگی، میگساری و فسق و فجور رواج داشته و تحریک کننده انسان به این اعمال است - حالا در هر سبک و سیاقی که می خواهد باشد، ایرانی و یا غربی، سنتی و یا پاپ - حرام اعلام شده است.

به بیان بهتر، آن نوع موسیقی که انسان را از یاد

در میان وسایل باقی مانده از خسرو یک عکس وجود دارد که توجه شعله را به خود جلب می کند. تماشای عکس این دختر که سلمه نام دارد، موجب می شود تا پرسش هایی در ذهن شعله شکل گیرد و موقعیت سفر او به جنوب فراهم شود. محور اصلی این فیلمنامه، شخصیتی به نام شعله است که بنا به خواسته خود در مسیر تنهایی گام بر می دارد. ویژگی بارز این شخصیت، انزوایی بوده که پس از مرگ شوهرش خسرو بدان دچار شده و به نوعی باید با این احساس به وجود آمده در درون خود مقابله کند. در حقیقت او با انتخاب تنهایی، ناخودآگاه در مسیری قرار می گیرد که کشف رموز مختلف نیز جزئی از آن به شمار می رود. شعله تا چندی پیش بیشترین اعتماد را به همسرش ابراز می کرده و حالا باید در پی نشانه هایی از وجوه رفتاری مردی باشد که گویا بخشی از خصلت هایش هنوز به صورت ناشناخته باقی مانده است. آشنایی شعله با یحیی نیز در پیچه ای به گشودن رمزهایی است که با اطلاعات جدیدی همراه است و شعله را بیش از پیش برای یک کشف و شهود تازه آماده می کند. شعله به عنوان یک زن در میانه عقاید قبل



▲ فاطمه فرید

## پرسه در خلعه



فیلم «دو ساعت بعد، مهرآباد» بر مبنای نمایش رنج و درد نهفته در یک انسان و به تبع آن تنهایی موجود در خصوصیات رفتاری تمام انسان های امروزی بنا شده است. شنیدن صدای بوق در همان آغاز فیلم نمادی از شلوغی بیهوده و بی حوصلگی افراد ساکن در یک شهر عظیم است که شعله نیز یکی از همان هاست. روایت فیلم با حضور شعله که لباس تماماً سیاه پوشیده و آشفتنی در او شروع می شود. شعله همسرش خسرو را در حائنه ای از دست داده است. شهره خواهر شعله با حضور در خانه وی تلاش دارد تا وی را دوباره به زندگی اولیه اش بازگرداند ولی شعله همچنان در دنیای تنهایی خود به سر می برد.

## طنز در گلستان سعدی

بخش نوزدهم



▲ محمدعلی علوی

## حکایت

وزرای نوشیروان در مهمی از مصالح مملکت اندیشه همی کردند و هریکی از ایشان دگرگونه رأی همی زدند و ملک همچنین تدبیری اندیشه کرد. بزرگمهر را رأی ملک اختیار آمد. وزیران در نهانش گفتند: رأی ملک را چه مزیت دیدی بر فکر چندین حکیم؟

گفت: به موجب آنکه انجام کارها معلوم نیست و رأی همگان در مشیت<sup>۲</sup> است که صواب آید یا خطا. پس موافقت رأی ملک اولی ترست تا اگر خلاف صواب آید به علت متابعت از معایت<sup>۳</sup> ایمن باشم.

خلاف رأی سلطان رای جستن به خون خویش باشد دست شستن اگر خود روز را گوید شب است این بیايد گفتن آنک ماه و پروین!

## شرح طنز

این حکایت، طنز اجتماعی و طنز عبارت است: انوشیروان و وزیرانش درباره موضوع مهمی که نتیجه آن نامشخص است، مشورت می کنند. هر کدام از وزیران نظر خود را می دهند، اما بزرگمهر - که به خردمندی مشهور است - برخلاف و متضاد با موقعیت همیشگی خود در تاریخ ادبیات ایران، این بار می گوید که هر چه انوشیروان می گوید، درست است. خلاصه حق با اوست!

حکایت، از آنجا که طنز پنهان نیز هست، تمسخر استبداد پادشاهی است: «پس موافقت رأی ملک اولی ترست تا اگر خلاف صواب آید به علت متابعت از معایت ایمن باشم!»

و طنز عبارت، باز در تمسخر پنهان استبداد، همان نتیجه گیری و یا ابیات آخر است که:

«خلاف رأی سلطان رای جستن به خون خویش باشد دست شستن اگر خود روز را گوید شب است این بیايد گفتن آنک ماه و پروین!»

## حکایت

شیادی گیسوان بافت یعنی علوی است<sup>۴</sup> و با قافله حجاز به شهری در آمد که حج همی آیم و قصیده ای پیش ملک برد که من گفته ام. نعمت بسیارش فرمود و اکرام کرد.

تا یکی از ثدمای حضرت پادشاه که در آن سال از سفر دریا آمده بود، گفت: من او را عید اضحی<sup>۵</sup> در بصره دیدم. معلوم شد که حاجی نیست. دیگری گفتا: پدرش نصرانی بود در ملطیه<sup>۶</sup> پس او شریف چگونه صورت بندد؟ و شعرش را به دیوان انوری در یافتند.

ادامه دارد

پی نویس ها:

- ۱- برتری، مایه امتیاز
- ۲- خواست الهی
- ۳- سرزنش، کيفر
- ۴- یعنی از اولاد علی (ع) است، سید، و ظاهر بافتن گیسو در آن زمان نشان علوی بودن بوده است.
- ۵- عید قربان
- ۶- شهری است در آسیای صغیر نزدیک شام



گذری بر یک نمایشگاه عکس در خانه هنرمندان

# خانه آرام برای زندگی

بقیه از صفحه اول

آرامشی را که در ساخت بافت شهر ایرانی دیده ایم و می شناسیم، در این عکس ها می توان سراغ گرفت. با یک اختلاف، در معماری فنلاندی، طبیعت حاضر است. در حالی که ما ایرانی ها طبیعت را از معماری و از شهرهای خود رانده ایم. این هم از کامیابی فنلاندی ناشی شده که توانسته



است طبیعت را سالم و پاک نگه دارد.

فنلاند در عین حالی که در صنعت به کامیابی ها رسیده، آن را چنان اداره کرده که بر طبیعت نواز و سلامت طبیعت را که مهد حیات سالم انسانی است، مخدوش نکند. در این نمایشگاه، در همه عکس هایی که از محیط شهری است، آثار صنعت و دنیای صنعت زده نادر است. مثلاً پایه ستونی که مجسمه ای بر آن نصب شده، دود زده است. اما همین است و نشانه های دیگر از این قبیل را دشوار بتوان در میان عکس ها، که گواهان زندگی شهری فنلاندی هاست، پیدا کرد.

یعنی همان طور که گفته شد، فنلاند صنعت و فناوری های مدرنی را که دارد مهار کرده، اما از آن طرف لگام طبیعت را آزاد گذاشته است. از یاد نبریم که فنلاند را اهل دنیا و مردم ایران خودمان، به نوکیا لند می شناسند. ۲- آنچه از مبلمان و ظروف شیشه ای و قماش در این نمایشگاه بود، همگی یک وجه مشترک داشت: سادگی. هم سادگی در طراحی، چنان که بیننده با آن احساس انس می کرد؛ هم سادگی به معنای دوری از تجمل و بهای گزاف.

طرح این مبلمان ساده در دو سالانه میلان ایتالیا برنده جایزه شده است. آلوار آلتو، هنرمند فنلاندی، طراح این مبلمان است. او نخستین کسی در فنلاند بود که چوب را برای مصارف هنری و تولید ابزارهای مورد نظرش



خمانند. او با طراحی های ساده اش مبلمان را به طبیعت نزدیک کرد.

کارهای آلتو سرچشمه الهام برای هنرمندان امروزی در فنلاند و در خیلی از کشورهای دیگر است. آلتو علاوه بر مبلمان در صنعت شیشه هم هنر نمایی کرده. نمونه هایی از لیوان ها و گلدان هایی که طراحی کرده است، در این نمایشگاه در معرض دید بود. نقل می کنند که در خانه هر فنلاندی، نمونه هایی از این ظروف شیشه ای هست.

پارچه ها و چند نمونه از پیراهن های فنلاندی هم در نمایشگاه بود.

پارچه ها بافت شرکت «ماریمکو» بود. شرکتی که خانم «آرمی راتیا» بنیادش گذاشته و امروز هم پس از سال ها در فنلاند به کار بافت و تولید انواع پارچه و پوشاک اشتغال دارد. خانم راتیا از دوستان آلوار آلتو بود. او هم که خود بانویی صاحب فکر و خلاق بود، در عین حال از تخیل خلاقانه دوستش آلتو تاثیر می پذیرفت. پارچه ها دارای نقش ها و نگارهایی بود، روشن و سرشار از رنگ های زنده و شاد. نقش ها و نگارهایی که کمابیش طراحی های پارچه های سنتی ایران و جاهایی را در آسیای شرقی تداعی می کرد.

در طراحی پارچه ها و جامه هایی که به نمایش درآمده بود هم سادگی، عنصر مسلط بود. معلوم بود که طراحان و تولید کنندگان این پارچه ها خواسته اند اجناسی ساده و عاری از تجمل تولید کنند.

به گذشته فنلاند که نظر کنیم، چه قبل از جنگ جهانی و چه بعد از آن، مملکتی کشاورزی بوده است. کشاورز، اهل کار است. نه به تجمل می گراید، نه آن قدر داراست که جامه های گرانبها بخرد و بپوشد. پس هم میز و صندلی او و هم جامه هایش باید که ساده باشد و ارزان. شاید بد نباشد به یاد آوریم که بعضی از مورخان هنر و ادبیات، می گویند که مینمالیزم از فنلاند آغاز شده و به دیگر نقاط دنیا دویده است.

اما فنلاند سرزمینی کشاورزی است با آب و هوا و اقلیم مخصوص. زمستان های طولانی با روزهای کوتاه و شب های بلند. این نوع طبیعت، زندگی فنلاندی را دارای صورتی خاص می کند. او وقت چندانی ندارد. باید در کوتاه ترین زمان به بیشترین کارها برسد. از اینجاست که اهل صرفه جویی می شود و از تجمل و پیرایه و مخارج اضافی دوری می کند.

رنگ های شاد و متنوع پارچه ها هم فلسفه خود را دارد. مردمی که در زمستان های طولانی و در تاریکی شب های بلند زندگی می کنند، احتیاج به رنگ دارند.

از اینجاست که پارچه های فنلاندی رنگارنگ است. و فور رنگ های شاد در این پارچه ها باور نکردنی است. پارچه هایی است خیلی نزدیک به رنگ ها و نقش های شاد و زندگی بخش قشقای ها و بختیاری های



خودمان.

حال که همه اینها را برشمردیم، زمان آن است تا به سراغ یک چشمه دیگر در هنر آلوار آلتو فنلاندی برویم. آلتو دلی داشت در گرو مهر به ایران. می گویند برخی آثارش را مخصوصاً برای ایران طراحی و خلق کرده است. می گویند خودش یک بار به ایران آمده و به شیراز هم رفته است. می گویند در سر داشته که موزه ای هنری در شیراز احداث کند. دریغا که این طرح مجال نیافته که وارد دنیای واقعیت ها شود. اما غرض آن که شاید آن دلبستگی ها که به ایران داشته طرح ها، نقش ها، و معماری های او را این اندازه برای ما ایرانی ها گرم و آشنا و صمیمی می نماید.

«خانه آرام برای زندگی» را سفارت فنلاند در تهران با همکاری موزه آلوار آلتو برگزار کرد. این موزه در شهر یووسکولا به یاد او و برای حفظ هنر ارجمندش تأسیس شده است. عکاس موزه، خانم مایا هولما هم به مناسبت برگزاری نمایشگاه به تهران آمده بود. نخستین بار بود که موزه آلتو عکس های آثار او را جایی در غرب آسیا به نمایش می گذاشت.

نمایشگاه «خانه آرام برای زندگی»، نمایشگاه بزرگی نبود؛ اما نمایشگاهی بود که در آن سادگی، بازگشت به طبیعت و دغدغه های زیست محیطی انسان امروز بازتاب خوبی داشت. امید که امثال این نمایشگاه تکرار شود تا پل های دیگری باشد بین فرهنگ و هنر مدرن و سالم دنیا با مخاطب

بازشناسی افکار و اشعار «سیمرخ خراسان»



دکتر ناصر خسرو

دفاعیات  
ناصر خسرو

۳۳

کسی که در باغش ده چشمه آب جاری است؛ به هنگام تشنگی چون تو جرعه ای آب می نوشد.

اگر خداوند به تو گله های گاو و گوسفند نداده است، غصه مخور، زیرا غصه و نگرانی، نصیب صاحب حشم است و تو راحت و آسوده ای! خداوند به تو هم مثل سلطان، چشم و گوش و زبان، عطا فرموده است و نشان عدل الهی در همین است.

آیا بر خود می پسندی که چشم و گوشت را بگیری، اما بر تخت پادشاهی بنشینی؟! عدل خدا در این است که به همه خلق خویش، جان بخشیده است. اگر این مطالب را نمی پسندی، بدان که این عدل الهی هزاران بار از تخت و ملک شاهان بهتر و برتر است. اگر نادانی به واسطه پول و ثروت خود مهم شده است، ثابت می شود که عقل و خرد از پول و ثروت بهتر و برتر است.

خادمان حقیقی تو، اندیشه و خرد است؛ پس پادشاه حقیقی تو هستی و نزد امیر، محتشم و بزرگ، قلم سلاح تو و حجت و برهان سپر تو و عقل و اندیشه، سپاه تو و سخن درفش و بیرق تو است. از اینکه سخن و کلام و اندیشه تو جاودانه است، دلت شاد است؛ اما دل کسی که از او فقط پول و ثروت باقی می ماند [و نادان و جاهل است] غمگین است. اگر علم و طاعت و دین داری، از کمبودهای مادی دنیا، افسرده و غمگین مباش و از دین و دنیا بر خوردار باش؛ چرا که سنت الهی در عدل و رحمت و کرم است.

کسی که داد بر این گونه خواهد از یزدان بدان که راه دلش در سبیل داد گم است بیسن که بهر آن پادشاز نعمت خویش چو بهر تو ضعیف از طعام یک شکم است... دژم مشو ز کمی ی درم به دنیا در اگر به طاعت و علمت به دین درون قدم است به دین و دنیا بر خور خدای را بشناس که ستش همه عدلست و رحمت و کرم است (دیوان، صص ۴۰۷-۴۰۹)

## گلابه های ناصر خسرو از جاهلان

در سراسر دیوان اشعار ناصر خسرو، به طوری که پیشتر نیز اشاره ها شده است، شکوه و شکایت شاعر است از مردم غوغا و جاهلان و نادانانی که حاکمیت های غاصب، از جهل آنان، در تحکیم حاکمیت خویش، مرکبی ساخته اند مطیع و رهوار در تقویت ترکتازی های خویش. همان جاهلان متعصبی که - به امر و اشاره و تطمیع ارباب خویش - خانه و زندگی حکیمی چون ناصر خسرو را در بلخ و ایران ساخته و به آتش کشیده اند.

در قصیده شماره ۲۲۳، شاعر اختصاصاً به معرفی و نقد این مردم غوغا پرداخته و اخلاق و رفتارشان را به تصویر کشیده است. شاعر پس از بیان طرد و تقی دیو و شیطان نفس و آرز و حسد در خطاب به مردم جاهل که آلت دست حاکمان غاصب شده اند، گوید:

به مؤمن فقیر، لقمه ای نان نمی دهی، اما به شاه بره بریان پیشکش می کنی! زکات اندک و بی مایه خود را آشکارا می پردازی، در حالی که رشوه به حاکم را شبانگاه و پنهانی، می دهی!

حق خدا را می دزدی و به حاکمان غاصب می دهی! کودک خود را از غم هزینه های تحصیل به مدرسه نمی فرستی، در حالی که برای انجام گناه، با تمایل و رغبت، هزینه می کنی!

اگر از آتش دوزخ می ترسی، دل درویشان را به دست آر و حق کشی مکن و این همه، خست نداشته باش.

ادامه دارد



## با شاعران جهان

## شاعر مدرن چین

«ژیائو ژیانو» از معروف ترین زنان شاعر شعر مدرن چین محسوب می شود. او از سال ۱۹۸۳ شروع به انتشار شعرهایش کرد و تاکنون جوایز متعددی را از آن خود کرده است: جایزه جشنواره شعر «کاوش» در سال ۱۹۸۸ و جایزه سومین دوره شعر برتر چین در سال ۲۰۰۶ از جمله جوایز او است.

«ژیائو» یک محقق ادبی نیز هست و در سال ۱۹۹۳ مجموعه شعری از طرفداران «شعر مبهم» چین را ویرایش و آماده چاپ کرد. کتاب شعر «زن و شعر زیر درختان» هم از آثار اوست. «ژیائو ژیانو» این شعر را در مورد یکی از نقاشی هایش سروده است:

قسمتی از زندگی من اینجاست  
ضربه ای نهفته در این نقاشی  
من یا کسی قایم باشک بازی می کنم  
زندگی بعدی من در درخشش رنگ ها  
شناور است

رؤیاها آن سوی زمان پخش می شوند  
روز  
شکافی است در شب  
و رنج در این شکاف ها  
قسمتی از عشق  
تنها به این بهانه که عشق عادت دارد، در  
جزئیات گم شود

تعظیم پس از نمایش در اتاق نشیمن خانه  
اگر سرما بخشی از سرماست  
زندگی هم بخشی از مرگ است  
بیش از هر چیز ضربات روحی آرام  
می دهد

دوباره سایه ای آغشته با زندگی به رنگ های  
سرخ، زرد، سبز  
و من زندگی را سایه های سبز فراوان  
می آمیزم  
آن گونه که مرگ را در تاریکی گور شکست  
بدهم

ترجمه به انگلیسی: Denis Mair  
ترجمه به فارسی: پریسا شکارسری  
ویرایش: حمیدرضا شکارسری

## شعر امروز

## سایه

## حسین کریمی

از شوق سحر به دام شب می افتم  
آنجا که نمی انداخت عرب می افتم  
دیگر چه توقعی زیاران وقتی  
از سایه خویش هم عقب می افتم

## چهار نفر

## مرتضی حنیفی

چهار نفر بودیم  
و در آینه آسانسور  
چهار صورت می دیدم  
من منتظر شدم  
تا مسافران پیاده شوند  
من منتظر شدم  
از کارم زدم  
تا ببینم  
کدام یک از آنها من بودم

## یادداشتی درباره شعر محمد زهری

## غربتی عمیق و درد آلود



ماهان سیار منش

نسبت به قبل کم رنگ تر شده است.

زهری از زمره شاعرانی بود که در دهه های ۳۰ تا ۵۰ درخشیدند و اشعاری پدید آورد که بی گمان اگر در مقام سنجش آنها برائیم، می توانیم بگوییم که دوره حرکت اجتماعی و نماد گرایی بی را که نیما آغاز کرده بود، ادامه داد.

اگر اشعار زهری را وجهی غالب و در عین حال بنیادی و غیر قابل احترام آن دوران بدانیم، به این نتیجه می رسیم که جامعه ای که گرایش های بی پرده ای بر آن واقع گشته، به دنبال منفذ و سطحی می گردد که از آن طریق بتواند گرایش غالب را مغلوب کند.

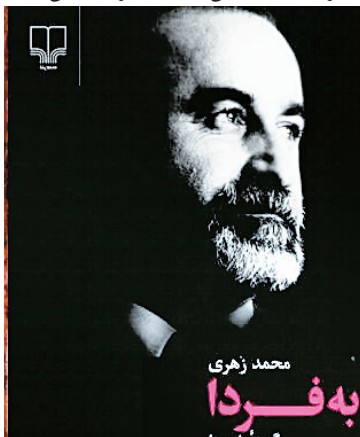
گرایش آن دوره، تفکری بی پرده درباره تزلزل انسان در رابطه با اسافل اعضای بدن بود که این را گریز گاه و یا حتی فراموشی شکست و ناکامی روحیشان می دیدند. اشارت های زهری در اشعارش نشان می دهد که او چنین دیدگاهی را نپذیرفته، و به قول علی اصغر حاج سید جواد، غربتی عمیق و درد آلود در شعر او پنهان است. او به رغم تعدادی از شاعران نوگرا، شعر را توافقی می دانست میان جهانی که در آن همه چیز در حالت تعلیق مدام است و آرامش حاصل نمی شود، مگر با تعادل و متعایل شدن به درون و بیرون خود.

به نظر نگارنده یکی از دلایلی که منجر به گزینش شعر نو قدمائی از میان دیگر قوالب تازه شد، همین کشش و توازن متعادلی بود که در وزن نو قدمائی شعر یافت. زیرا زهری شاعری نبود که مانند فروغ صحنه ی زندگی را وارد شعر کند، یا مانند اخوان چندین دوره گذار را برای رسیدن به شعری مختص به خودش پست سر گذرانده باشد. او با تمام تلاش های پیوسته ای که در اشعارش برای ایجاد جهانی نو متحمل شد، شاعری میانه رو بود که قوالب کهن را برای آفرینش هنری اش کافی می شمرد.

با مسائل پرشمرده، زهری شاعری بود که سعی بر آن داشت تا جامعه را فراسوی تمامی قواعدش بسنجد. جامعه ای که در آن انسان موجودی جدا افتاده نیست که در ناچیز ترین امور خود را غرق کند. بلکه هدف بزرگ انسانی آنگاه تحقق خواهد یافت که هنر را نه در آینه تمام نمای خود، بلکه در آینه تمام نمای انسان بداند. چنین امری موجب شد که او شعر را نه مانند اشعار واقع گرا در حقانیتش و یا مانند دیگر شاعران در دفاع از انگیزه های انسان بداند؛ بلکه شعر را حاصل توافق دو وجه اندیشه انسان در نظر بگیرد: نماد و واقعیت.

شاعر دیده می شود.

زهری این سوگ را به درجات متفاوتی در اشعارش بروز می دهد. به رغم تمامی خواست ها و فریادهای او در جستجوی زیستگاهی به از اینجاست. بسا اینکه او یافتن آرمان شهر را در کنش مداوم اندیشه های می داند، و چنین موردی را در جهت حصول به جامعه ای مقاوم که در بن بست گرفتار شده است، می داند؛ با این حال او آرزوی جهانی فراسوی این جهان را در ذهن خود می پرورد. اگر چه امید گذار نیست، اگر چه امیدها تحقق نیافته و ناکام مانده اند، اگر چه نحوست کردار به اثبات رسید و عزویت ابدی بشر را به دنبال داشته، ولی شاعر همه اینها را می بیند و استقرار زندگی ای که



آرزویش را دارد و دوام بشر را در آن می بیند، به گونه ای دیگر آرزو می کند.

البته این گونه تنهایی و زندگی شکست خورده در بسیاری از همسران زهری به ناچار دیده شده: نمی توان این امر را مانع تحقق اندیشه ورزی شاعر دانست. به همین دلیل این دیدگاه شاعر را چونان مسئله ای تصور نمی کنیم که او از انتخاب چنین شیوه ای این موضوع را مد نظر داشته که اگر جامعه ای برای جلوگیری از رکود و سستی اندیشه از خود سعی بی نشان نداد، باید بافت های مربوط به هم جامعه را چونان موجودیتی زائد تصور کرد و آن را نادیده گرفت.

شاعر هیچگاه چنین تفکری را به مخیله اش (تا آنجا که در اشعارش قابل مشاهده است) راه نداده است. اصولاً شاعر هم در جامعه مانند دیگر عناصر عمل می کند، فقط حوزه عملش کمی

محمد زهری از شاعران نو قدمائی دهه های ۴۰ و ۵۰ بود که سبک شعرش به دلیل اختیار زبانی ساده مورد پسند جامعه شعر خوان آن دوره قرار گرفت. از طرف دیگر، سبک به دور از تصنعش و در عین حال که جامعه را به عنوان پیش زمینه خود داشته بود، در نگاه منتقدان و حتی شاعران بزرگی چون اخوان، به دیده تحسین نگریسته می شد. این مسائل آحاد مهم شعر زهری را تشکیل می داد. زیرا که او سعی می کرد شعرش در حد فراخور موقعیتی که در آن می زیست شکوفا شود. زیرا به رغم وجه محاط شعر آن دوره که شعری اروتیک سیاسی بود، شعر زهری شعری بود که جامعه را بازتاب می داد. او این سعی را بیشتر در قالب الفاظ و عباراتی ساده و گاه نمادهایی بیان می کرد که البته نماد هم چنان وجه برتری دهنده ای، آن را دست کم نمی گرفت. اگر چه زهری شاعر بزرگ دوران نشد ولی وجه بیانی که او در قالب آن شعر می گفت، و از طرف دیگر درک به هنجار و متناسب با زمانه ای که در آن، چه روح انسان و چه زندگی مستقلش، آشفته بود؛ چنین تمهیداتی را جایز می شمرد.

زهری، هم از زبان حماسی اخوان به دور بود، زیرا لحن نو قدمائی اش و تمهیدات زبانی که اخوان در شعر خود به کار می برد، در شعر زهری حتی به کمترین درجه ای هم یافت نمی شد؛ هم از زبان استوار و محکم شاملو. زیرا که شعرش را بر بستر جزئیاتی از شعر به کار می برد که این امر باعث می شد شعرش در حد شعری متعارف و بسته به شاعری بزرگ چون نیم باقی بماند. زهری نتوانست تفاوتی تام میان خود و نیما ایجاد کند، در حالی که شاملو پس از چندی در عین تأثیر پذیری از نیما، خود به دیدگاهی مستقل دست یافت. این موضوع باعث شد زهری فقط به عنوان شاعری که از عهده بیان حقایق زبان خود به خوبی بر آمده، مشاهده گردد.

اگر گفتیم تقلید از نیما در شعر زهری وجهی آشکار بود، این گونه نیست که او فقط کوشش های نیما را دستمایه کار خود قرار دهد، زیرا که او به خوبی توانسته استقلال هنری اش را مطابق ظرفیت درونی شده اش کسب کند. این امر را اگر بخواییم در شعرش نشان دهیم، می توانیم به اشعاری مانند «به فردا» ای او اشاره کنیم که با زبانی ساده و گیرا ظرفیت امیدی را می سنجد که می خواهد در یکایک افراد مشاهده کند. امید اگر چه از دست رفته و نمودی کم رنگ دارد، ولی در صدای سوگ مانند

## کاملاً خصوصی برای آگاهی عموم

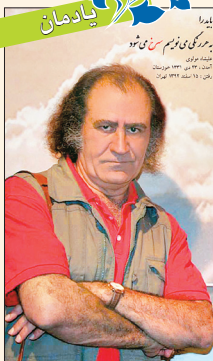
## من و تو و باران

دلخوشم می کنی که،  
پائیز پار سال پیرتر بودم  
که،  
از خیابان های خیس پاییزی،  
تنها،  
شاعران شعله ور می گذرند  
که،

پاییز پیمانه سر آمده تابستان است،  
تو که از جنس بهار و بابونه بودی  
چرا؟  
تاوان این همه جنون سالی،  
کلنجار با واژه های کودنی است  
که  
تارهاشان می کنم  
کلمات قصار می شوند  
و بع  
چند جمله خواب خاکستری

بنابر اعلام برخی پایگاه های مجازی؛ مولوی در سال ۱۳۵۸، داستان «شهید سوم» را منتشر کرد و در ادامه با نام مستعار «بهار آقا» و «عین مولوی»، پنج دفتر شعر را در طول سال های ۵۷ تا ۵۹ عرضه و از دهه ۶۰، آثار خود را در نشریات ادبی منتشر کرد. او به تازگی مجموعه شعر «کاملاً خصوصی برای آگاهی عموم» را در دسترس دوستان و دوستان شعر قرار داده بود و پیکرش در صبح جمعه شانزدهم اسفندماه با حضور شاعران و دوستانش در مقابل درهای بسته خانه هنرمندان تشییع شد. روحش شاد و یادش گرامی. شعری از او را می خوانیم:

در پنجشنبه ای که گذشت،  
پانزدهم اسفندماه، شاعری مهربان  
و مستقل جمع زندگان را رها کرد  
تا یادش همواره زنده بماند.  
علیشاه مولوی در سحرگاه  
یک روز سرد زمستانی پس از  
سالها زندگی شاعرانه، ۶۱ سال پس  
از تولدش در خوزستان گرم، به  
شاعران دیار باقی پیوست.  
اگر چه تنها فرصت چند دیدار  
کوته در حاشیه جلسات شعر با  
زنده یاد مولوی برای من میسر  
شده بود، اما در همین فرصت های  
اندک دوستدار مهربانی، صمیمت و  
شاعرانگی اش شده بودم.  
مانند بسیاری از جنوبی ها  
خونگرم و زودجوش بود و حرف  
و نگاه و شعرش بر دل می نشست.



یادمان

کوته در بیداری،  
مثل نوزاد ناقص پروانه  
حالا دوست داری بدانی که چرا؟  
آرزو می کنم ای کاش،  
با هفتمین پائیز کودکی ام رفته  
بودم؟  
پس بیا،  
تا انتهای برگ فرش این خیابان  
خیس با هم برویم.



## فوق آفات گیاهی



نحاران: از

کامران شرفشاهی

هنگامی که بشر با نحوه استفاده از چوب برای ساختن وسایل گوناگون آشنا شد، دیگر هیچ درختی در هیچ گوشه جهان احساس امنیت نمی کند و جماعتی که شغلشان با چوب سروکار دارد، تمام درختان به صورت الوار و ثنویان می بینند و عشق عجیبی دارند نسبت به اره و تبر و ابزاری از این دست!

**— باسوادان:** از هنگامی که بشر کاغذ پاپیروس را برای نوشتن اختراع کرد تا امروز که کاغذسازی به عنوان صنعت، تحول «چشمگیری» پیدا کرده، درختان زیادی، قربانی قلم هایی شده اند که بعضی از آنها کاری نداشته اند جز برسرکار گذاشتن آدمها!

وفور کاغذ موجب رواج کاغذبازی و کارمندسالاری و پیدایش مافیای دلالان کاغذ شد که طمع سیری ناپذیری دارند.

— هنرمندان: از دیرباز تاکنون، هنرمندان با ستاندن جان درختان، به آنان جانی دوباره داده اند که ماندگارشان می کند، بدون آنکه سبز باشند!

**— شهرداری ها:** شهرداری چی ها، خصوصاً کارگران کارنابلد فضای سبز که هر ساله درختان را به طور غیر اصولی هرس می کنند و موجب خشکاندن آنها می شوند، از جمله مهمترین دشمنان درختان در سطح شهرها هستند. همچنین اعمال در آبیاری به موقع درختان و نگهداری از این موجودات بی زبان، به همراه هزار و یک نکته دیگر، از نکته های عیانی است که حاجت به بیان نیست.

**— رسانندگان ناشی:** این تیپ از موجودات وقتی توانایی هدایت خودرو را در خود نمی بینند، برای حفظ جان و کاستن از خسارت به دنبال یافتن درختی هستند تا با سرعت به آن بکوبند.

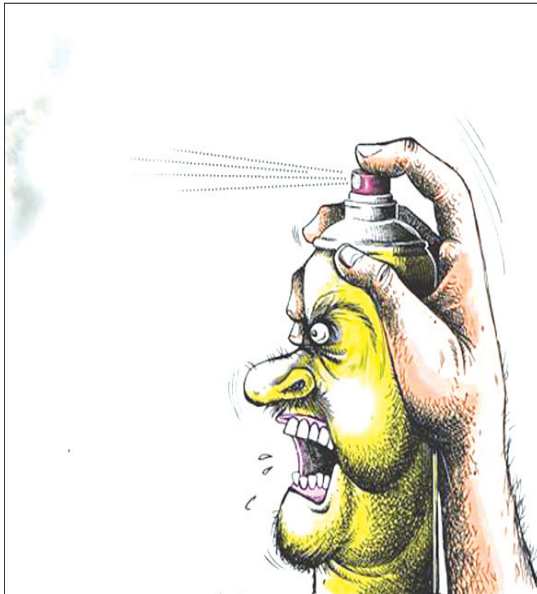
**— کباب خواران:** این جماعت عده های هستند از موجودات یک سر و دو گوش که هر چند وقت یکبار به اسم «پیک نیک»، هوس حضور در دامن طبیعت به سرشان می زند و غالباً بساط آتش کبابشان را در نزدیکی تنه درختان برپا می کنند و با شکستن شاخه درختان، آتشی می افروزند که گاه به این سادگی ها خاموش شدن نیست و طبیعت همیشه در قبال کباب خوردن آنها بهای گزافی پرداخته است. (اسنادش هم موجود است)

**— دستگاه های حفظ محیط زیست:** امروزه بیشتر از تعداد تمامی درختان جهان، سازمان ها، نهادها، موسسات و دستگاه های عریض و طویلی با عنوان حفظ محیط زیست به راه افتاده است و عجب که عملکرد بسیاری از این دستگاه ها، درست برعکس هدف های تعیین شده برای آن است. بعضی از دستگاه ها اگر خودشان مصدر و عامل نابودی محیط زیست نباشند، با سکوت بی معنی و گاه معنادار، با پا کم کاری ها و تساهل و تسامح عامدانه، چه شاهکارها که نکرده اند!

**— مافنگیان:** این دسته را می توان گروهی از معتادان به مواد مخدر تعریف کرد که لحظه ای طاقت جدایی از منقل را ندارند و ترجیح می دهند به جای تمام درختان سبز، ذغال سیاه آنها را در اختیار داشته باشند. این گروه با جمعیت قلبان کش ها دارای قربت نزدیکی هستند؛ زیرا تنباکوی مرغوب بدون ذغال اعلا هیچ مفهومی ندارد!

و...:

حالا که کار به اینجا رسید، خودتان قضاوت کنید که آیا هیچ آفتی به پای این فوق آفت ها می رسد؟ برای تمرین و تکمیل این پژوهش به دور اطرافتان خوب نگاه کنید تا نمونه های دیگری را به این فهرست بلند بالا بیفزایید. البته امیدوارم خودتان یکی دیگر از این فوق آفات نباشید!



**اشخاص عاشق:** این جماعت وقتی عاشق می شوند، دیگر یادشان می رود تنه درخت جای کنده کاری قلب و نوشتن یادگاری نیست. به همین سبب تا طرف مقابل «بله» را بگوید، دمار از روزگار پوست درختان درمی آورند.

**صنف فنی:** صنف فنی در برگیرنده مشاغلی مانند مکانیک، صافکار، نقاش، باتری ساز و... است که بعضی از آنها گویا فکر می کنند که اسید یا روغن های صنعتی برای درختان نقش «کود» را دارد! و با ریختن چنین موادی پای درخت های بیچاره فاتحه آنها را می خوانند.

**بساز و بفروش ها:** این جماعت به جز رنگ اسکناس از هیچ رنگ دیگری خوششان نمی آید. خصوصاً از رنگ سبز بیش از همه بدشان می آید و همیشه در پی خشکاندن درخت ها و از بین بردن باغ ها برای ساخت و ساز هستند و چون پشتشان به یک جاهایی گرم است، شبانه روز در حال تخریب محیط زیست می باشند و عجب که زور هیچ کس به این آفت های گردن کلفت نمی رسد!

**بچه های لوس و نتر:** گروهی از کودکان بی تربیت که به آنها بچه های لوس و نتر گفته می شود، از صبح تا شب کاری ندارند جز بالا رفتن از درختان، شکستن شاخه ها، کندن گل و گیاه ها، تکان دادن شدید ساقه نهال های جوان و...:

عجب آنکه والدین این بچه ها، تمامی این شیرین کاری ها را با دیده تحسین و تمجید می نگرند!

**بانوان عزیز:** بانوان معمولاً عاشق رنگ سبز هستند و به گل و گیاه دوستی شهره اند، تا آنجا که در تمام دنیا برای ابراز علاقه به خانم ها، از قدیم الایام، گل های زبان بسته را از شاخه می چینند تا به آنها تقدیم کنند. گذشته از این ابراز عشق و علاقه در در آفرین برای طبیعت، بعضی از خانم های خانه دار نیز با رها کردن کف حاصل از شستشوی ظروف و لباس در پای درختان، خبر ندارند که این مواد شوینده چه بلایی به سر این موجودات بینوا در می آورد.

**— گل فروش ها:** گل فروش ها را می توان به قصابی گیاهان تشبیه کرد. و این کار امروزه خیلی خیلی رونق پیدا کرده است. گل ها به هر بهانه ای می بایست از شاخه جدا شوند، چه عروسی باشند، چه عزاء، چه برای قدردانی، چه برای تملق، چه برای محبت، چه برای چشم و هم چشمی و فخر فروشی، مثل مسابقه اهدای تاج گل ها یا سبدهای گلی که انبوه گلها و گیاهان تزئینی آن چیده شده اند تا اسباب پُز باشند، بیچاره گل ها!

## تقسیم و تفکر



## آیت نادری

متولد ۱۳۵۹، اصفهان  
فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده  
سروش اصفهان  
فعالیت در زمینه کاریکاتور از سال ۱۳۷۶  
مدرس کاریکاتور اصفهان  
حضور در نمایشگاه های فردی و گروهی در  
زمینه کاریکاتور و گرافیک  
کسب مقام در چندین جشنواره داخلی و  
خارجی



## مشاوران فیسوکی!



رضارفع

عجب گیری کردیم ما!...  
— خودت عجب گیری کردی ها!... (این رانفهمیدیم کی گفت، ولی هر کی گفت، خیلی عجله داشت. نگذاشت مطلب منعقد شود.)

می خواستیم بگویم عجب گیری کردیم که تا اسم فیسوکی گذاشتی به میان می آید، سفیل و سرگردان، می مانیم که آیا چیزی در راستا و پهنای آن بنویسیم یا بنویسیم؟ آیا بگم، آ یا نگم؟... (علیرغم آن که دوره بگم بگم گذشته!)، یعنی نه یک کسی به ضرس قاطع گفته ممنوع است، نه به ضرس قاطع گفته که مجاز است. فلذا مجبوریم جوری بنویسیم که لافل بخش های مجازش چاپ شود.

قبلاً بعضی مقامات دولتی، خیلی ظریف وارد فضای مجازی فیسوکی می شدند، بیکه و تنها! اما الآن روز روشن و بدون تیق و باطمینان این اتفاق می افتد. نه تنها وارد می شوند، که دیگران را هم وارد می کنند. وارد کجا؟... وارد مملکت، بزرگترین شبکه اجتماعی کشور. مثلاً از جماعت فیسوکی که لایک و کامنت می خواهند که نظر مبارکشان را در خصوص مثلاً فلان موضوع بهمان جلسه بفرمایند. و چقدر این مشورت پیشرفته و تکنولوژیک، جالب توجه است. تازه مفت هم هست. حق مشاوره ای به دنبال ندارد. سنگ مفت، گنجشک مفت!

خبر دست اول: آقای اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور که تا زگی به جمع فیسوکی های دولتی پیوسته [منتهی اطلاع نداریم که به ضرب فیلتر شکن یابدون



فیلتر شکن؟! [در صفحه شخصی خود با اشاره به جلسه شورای اداری استان تهران که قرار است در هفته آینده در آن شرکت نمایند؛ از دوستان فیسوکی خود در خصوص موضوعات مربوط به آن جلسه، از قبیل ترافیک، هوای پاک، حمل و نقل عمومی و ساماندهی مشاغل، نظر خواهی کردند]. — به نقل از جراید حساس به فیسوکی!

**بسته پیشنهادی:** هر چند بعضی ها همچین دارند چپ چپ نگاه می کنند که انگار تا به حال نه فیسوکی دیدند، نه یک مقام دولتی فیسوکی؛ اما حضرت مابدون هر گونه جوزدگی خاصی، بر همان سبیل اعتدال و انصاف خودمان، عرایضی معقول و منطقی را تقدیم می داریم. باشد که رستگار شویم:

**۱- تعیین ضالیه بودن:** از آنجا که ضاره و ضاله بودن هر ابزار ارتباطی و اطلاعاتی، به نوع استفاده از آن برمی گردد که در راه خلاص به کار گرفته شود یا صواب؛ فلذا این گونه استفاده های مفید و مثبت از یک شبکه اجتماعی، خود می تواند دلیل محکمی باشد بر ضاله نبودن مشروط این فیسوکی لعنتی که همه را سرکار گذاشته لامصب!... شما از آیفون منظر لاهم می توانید استفاده ناشایست کنید. زنگ بزنید و طرف که گوشی آیفون را برداشت، چند تا فحش چارواداری نادرست بدید و در بروید. می توانید هم با افتخار بگویید: منم باز کن! (خب حالا آیفون منزل، غیر مجاز است؟)

**۲- تقسیم بندی:** تا اطلاع ثانوی که مسئولان مختلف به یک اجماع جمع و جور در خصوص مجاز بودن یا نبودن فیسوکی نایل نشدند؛ وقتاً این شبکه اجتماعی با اشتباهی، به دو گونه و گروه تقسیم و تفکیک شود: فیسوکی دولتی مجاز و فیسوکی غیر دولتی غیر مجاز. این شکلی لافل ملت تکلیف خودشان را می دانند. این قدر فیلتر شکن هم گران و چند دست نمی شود.

**۳- مشورت مجازی:** مسئولان و مدیران عزیز و ارجمندی که از طریق فیسوکی به مشورت با دوستان فیسوکی خود به عنوان نمایندگان افاتر مختلف مردم می پردازند؛ حتماً خودشان ملتفت این معنا هستند که مشکلات مملکت از قبیل همین ترافیک و آلودگی هوا و... غیره — خارج از فضای مجازی وجود دارند. حقیقی اند. در بیرون بیشتر قابل لمس و مشورت اند. البته عرض کردیم که مشورت های مجازی اینترنتی هم بد نیست. در پیچه های زیادتری را به روی آدم می گشاید. فقط یادمان نرود که علاوه بر در پیچه، در هم هست. اسحاق نیوتن نیز جاذبه زمین را از در منزل که خارج شد و رفت زیر درخت، کشف کرد. این وسط، یک سیب تازه هم در سبد کالاش افتاد!



## امروز در تاریخ

## آمدن یارسی، زبانان به بدخشان

۷۶ سال پیش از میلاد، اواخر زمستان، طوایفی که در گجی - آتای (غرب مغولستان) می زیستند با استفاده صحت احضار واحدهای ایرانی مستقر در مرز منطقه ای روزه در آنجا اوغوزها را زندگی می کنند و در آن زمان سکونت پارسی زبانان بود به این منطقه هجوم آوردند و پارس زبانان را به بدخشان فراری دادند و بر جایشان بستند. با وجود این، آثار فرهنگ ایرانی و بسیاری از های فارسی برای مثال: کاریز (قنات) در آنجا تا به امروز مانده است. مهرداد شاه اشکانی ایران در سال ۸۲ پیش میلاد همه نیرو و کوهای رزمی ایرانی حتی از دورترین نقاط یوری را احضار کرده بود تا قدرت روم را بشکند که خدایه جنید بدیدند خاضع به صلح شدند.

شاهی بهرام کرمانشاه و استقرار سپاه سوم در کابل

در پی در گذشت شاپور سوم، یازدهم مارس سال میلادی (بیستم اسفند) بهرام برادر او و حکمران خطه شاه ایران زمین شد و به دلیل علاقه ای که به کرمان داشت در همه عمر لقب «کرمانشاه» را برای خود حفظ کرد. همان رومی نیز در کتاب های خود او را «بهرام کرمانشاه» نامیده.

از کارهای مهم بهرام کرمانشاه امضای یک معاهده صلح با امپراتوری روم است. این شاه ساسانی به دلیل سی‌های فراوان از وضعیت مناطق آن‌سوی مرزهای ایران، استانداران استانی‌های خاوری را از میان ژنرال‌های انتخاب کرد و کائو را با نگاه سیاه‌پوست بر آن قرار داد.

تاجگذاری شاه اسماعیل صفوی

اسماعیل صفوی از خانواده درویش تبار شیخ  
بی الدین (اردبیل) ۱۱ مارس سال ۱۵۰۲ (مصادف با  
۱۵۰۳) در تبریز تاجگذاری کرد، شاه شد و شیعه اثنی  
عشر را مذهب رسمی ابن ان اعلام کرد.

وی اعلام کرد که خود را مکلف به ترویج مذهب شیعه  
و یک حکومت مرکزی در ایران زمین و نجات مردم  
سرزمین از وضعیت نابسامانی که از زمان حمله مغول  
ند، می‌داند.

## قتل کسروی در کاخ دادگستری

احمد کسروی در این روز در سال ۱۳۲۴ در کاخ  
ستری و در اتاق بازپرس در حالی که روی صندلی  
سته بود با چاقو مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.  
ارش روزنامه های تهران، قتل وی به دست اعضای  
میت فداان اسلام صورت گرفت. کسروی ناصر روزنامه  
وزیر موفلغان کشور بود. وی در نگارش تالیفات خود از  
تأثیر موفلغان و طبعیت سبک خاصه، به کار برده است.

[www.iranianshistoryonthisday.com](http://www.iranianshistoryonthisday.com)

## سودو کو

5	6		9			3		8
					1		2	
9								
		6	4	8		2	3	
		3				4		
	8	7		3	2	1		
								3
	3		8					
8		2			3		1	5

6	5	2	9	1	7	4	8	3
4	8	3	6	5	2	9	1	7
9	1	7	4	8	3	6	5	2
2	6	5	7	3	9	1	4	8
1	9	4	2	6	8	7	3	5
7	3	8	5	4	1	2	6	9
8	2	6	1	7	5	3	9	4
5	4	9	3	2	6	8	7	1
3	7	1	8	9	4	5	2	6

حل ۱۰۱۷

## قاب امروز



جوانان فلسطینی در حال بازی پارکور - بیت المقدس / منبع: تلگراف

**نکته**

## یک امتحان، یک درس

تعدادی زنبور و به همان تعداد مگس در بطری  
جاء دهید و آن را کنار پنجره طوری بخوابانید که انتهای  
بطری به سمت شیشه پنجره باشد.

مشاهده خواهید که زنبورها با سمایت خود  
 آنقدر به دیواره انتهایی بطری که رو به نور قرار دارد  
 می‌کوبند که سرانجام از گرسنگی و خستگی می‌میرند.  
 آنها ظاهرًا روزنه امید زنان را جایی می‌دانند که نور  
 بیشتری از سایر نقاط دارد و بر همین اساس رفتار  
 می‌کنند. اما مگس‌ها بدون توجه به نور و روشنایی  
 و ششپایه به هر طرف بطری پر و بال می‌زنند و عاقبت  
 در مسدود تاسی راه نجات را می‌یابند و از بطری  
 خارج می‌شوند.

## جدول شرح در متن

[illegible]

## چہل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۲، (برابر با ۱۶ صفر ۱۳۹۴، ۱۱ مارس ۱۹۷۴) نقل شده است

### میوه وارداتی باعث ارزانی قیمت میوه نشد

در جلسه دیروز کمیته ملی حمایت از مصرف‌کننده درباره نرخ انواع میوه و تره‌بار گفته شد قرار بود که میوه‌های وارداتی برای ایام نوروز با قیمت‌های کمتری عرضه شود، زیرا اهداف دولت از آزادی واردات میوه و حذف سود بازرگانی این بود که میوه با قیمت کمتری بدست مردم برسد.

اما قیمت هائی که ظرف هفته جاری برای فروش انواع میوه داده شده است خلاف آثر نشان می دهد. از جمله سیب لبنانی زرد و مرغوب داخل و خارجی که نرخ خرید و روشی قبل آن برای درجه سه کیلوئی ۳۷ ریال بود، به کیلوئی ۴۰ ریال افزایش داده شده است.

سیب قرمز لبنانی درجه یک که در خرده فروشی  
کیلوئی ۵۶ ریال بوده کیلوئی ۵۸ ریال درجه دو از کیلوئی  
۴۵ ریال به کیلوئی ۴۶ ریال و درجه سه از کیلوئی ۳۱ ریال  
به کیلوئی ۳۴ ریال افزایش قیمت پیدا کرده است.

افسر ژاپنی، ۳۰ سال بعد از جنگ سرانجام تسلیم شد

لوباتگ- برای یک افسر ژاپنی جنگ جهانی دوم  
تا دیروز ادامه داشت. ستوان «هیراواندا» افسر فراموش  
شده «ژاپنی که از سی سال قبل در جنگل های فیلیپین  
سرگردان بود دیروز سرانجام بدستور فرامانده سابق خود  
سرگرد «یوشی می» بمقامات محلی تسلیم شد و برای  
نخستین بار از بانان جنگ دوم جهانه اطلاع یافت.

این سرباز خارق العاده را این که دیروز پنجاه و دومین سالروز تولد خود را جشن گرفت سی سال قبل ماموریت یافته بود اطلاعاتی درباره نیروهای دشمن بدست آورده و حتی در صورت تار و مار شدن ارتش را این در جزیره پست خود راترک نکند و این سرباز «حرف شنو» ۳۰ سال بعد از شکست را این و پایان جنگ هم حاضر نبود پست خود راترک کند. روز ۲۰ فوریه گذشته یکی چهارگرد را اینی اتفاق در وسط جنگل به ستوان همیراوانو (ابن خود راولی سرباز حاضر نشد همراهنی از جنگل خارج شود.

## کمک هزینه تحصیلی

کارمندان دولت در ابتدای سال تحصیلی آینده از کمک هزینه تحصیلی استفاده خواهند کرد. آئین نامه کمک هزینه تحصیلی توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و جهت تصویب به هیئت دولت تسلیم گردیده است.

با تصویب این آئین‌نامه از ابتدای سال تحصیلی آینده کارمندان همزمان با برخورداری از سایر کمک‌های دولت از کمک هزینه تحصیلی در داخل کشور نیز استفاده خواهند نمود.

همانطور که قبلاً هم در این زمینه نوشتیم طبق این آئین نامه کارمندانی که در رشته های تخصصی مورد نیاز وزارت خانه ها به تحصیل اشتغال ورزند یا مشغول تحصیل می باشند از کمک هزینه تحصیلی متناسب بهره مند خواهند شد و در قبال کمک هایی که از دولت دریافت خواهند داشت، متعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل خواهند شد.

ادامه کمک هزینه تحصیلی بکارمندانی که در موسسات آموزش عالی توفیق یابند منوط به موفقیت سالانه در امر تحصیل خواهد بود و در غیر اینصورت کمک هزینه آنها قطع خواهد شد.

کارگران ۵ تا ۲۰ سال زودتر از مزایای بازنشستگی استفاده خواهند کرد

فضل‌اله معتمدی مدیرعامل سازمان بیمه‌های اجتماعی امروز گفت با اجرای قانون جدید بیمه‌های اجتماعی کارگران از ۵ تا ۲۰ سال زودتر از مزایای بازنشستگی استفاده خواهند کرد.

خبرنگار مایمی نویسد هم اکنون کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورایملی سرگرم آخرین بررسی در مورد لایحه جدید بیمه‌های اجتماعی است. بموجب تبصره ماده ۷۰ لایحه که از تصویب کمیسیون گذشته است: بیمه‌شدگانی که قبل از تقاضای بازنشستگی، لاقال مدت ۲۰ سال متوالی بایست و پنج سال متناوب در نواحی بد آب و هوا کار کرده و بایکنه به کارهای دشوار و سنگین اشتغال داشته باشند میتوانند از مزایای بازنشستگی استفاده کنند. شرطی برای بازنشستگی که در مورد سایر مشاغل براساس لایحه جدید ۵۵ سال است در مورد اینگونه کارکنان اخذ نشده است.